



چالش‌های حقوقی و پزشکی نظام سلامت در مناطق مرزی

حسن علیزاده

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)

رحیمه سیاح

دانشجوی کارشناسی حقوق، مرکز خوی، دانشگاه پیام نور، خوی، ایران

چکیده

هدف مقاله بررسی این موضوع است که در چه گفتمانی مسائل اجتماعی مرزنشینان، پروبلماتیک نمی‌شود در بخش مبانی، نظریه‌ی شرق‌شناسی (داخلی) را به‌منظور تبیین پروبلماتیک نشدن مسائل اجتماعی انتخاب کرده ایم طبق این نظریه، رویکرد کلی‌مرکز، دیگرسازی در مناطق پیرامونی (مرزی) است و با ایجاد دوگانه‌ها (زبانی، قومیتی و دینی)، دست به امنیتی سازی فضا و اجرای سیاست همسان‌سازی می‌زند روش کلی تحقیق روش تاریخی اسنادی است بررسی بازنمایی رسانه‌ای نشان می‌دهد که از 781 مورد جستجو (از 1379 تا 1400)، بیشترین اخبار در مورد حوزه‌ی اقتصادی با 456 خبر 58٪، پس از آن حوزه‌ی امنیتی با 283 خبر 36٪ و سپس حوزه‌ی اجتماعی و فرهنگی مرزنشینان تنها با 28 خبر 3.5٪ قرار دارد که خود نشانی از مسئله نبودن مسائل اجتماعی مرزنشینان است طبق یافته‌های تحقیق بزرگترین مسائل اجتماعی مناطق مرزی: مهاجرت‌های گسترده، وجود فقر چندبعدی، نرخ بی‌سوادی بالا، وضعیت آموزشی و وضعیت بهداشتی درمانی نامناسب است مسئله اصلی در سیاست‌های فعلی، در درجه‌ی اول رویکرد دیگری سازی است و در سطح پایین‌تر تأکید بر عوامل و راهکارهای اقتصادی است راهکارهای اقتصادی نیز به دلیل ضعف قوانین و نقص اجرایی، به موفقیت نرسیده‌اند پیشنهاد این پژوهش اتخاذ رویکرد تکثرگرا و توجه هم‌زمان به توانمندی‌های درونی مناطق، روستاها و شهرهای مرزنشین چون توجه به اقتصاد کشاورزی، گسترش خدمات رفاهی (آموزشی و بهداشتی)، گسترش قابلیت‌های فردی مردم و توجه به توسعه اجتماعی این مناطق است.

کلیدواژه‌ها: مناطق مرزی، مسائل اجتماعی، رسانه، امنیتی سازی فضا، نظام سلامت.

مقدمه

در اندیشه‌ی سیاسی نوین مفهوم مرز بیش از آنکه تعیین حدود اقتدار بیرونی دولت‌ها باشد، مفهومی است برای بازنمایی تثبیت قدرت حاکم در داخل مرزها در محدوده‌ای مردمی که در درون این مرزبندی‌ها به شکلی تصادفی قرار گرفته‌اند. درواقع، در دوره‌ی مدرنیته، مرزها و مناطق مرزی به این جهت که محدوده اعمال حاکمیت و اقتدار ملی هستند همواره توجه خاصی به تأمین امنیت آنها به‌مثابه قلمرو سرزمینی کشور گردیده است. با توجه به مسائل متعدد و خاص مناطق مرزی وضعیت دولت - ملت در



ایران و شرایط اقلیمی پرداختن به مقوله مرز و توجه به ابعاد ناشناخته آن ضرورت دارد.

ایران به همراه چین و پس از روسیه، رکورددار تعداد همسایه در جهان است. ایران با ۱۵ کشور مستقل مرز خشکی و آبی دارد (Karimipour, 2000:140). ایران در مرزهای زمینی و دریایی مجموعاً دارای ۸۷۵۵ کیلومتر مرز مشترک است که ۲۷۰۰ کیلومتر آن مرز دریایی و ۶۰۵۵ کیلومتر آن مرز زمینی است. مرزهای زمینی شامل ۱۸۹۳ کیلومتر مرز رودخانه‌ای و ۴۱۶۲ کیلومتر مرز خشکی است در ایران، ۱۶ استان مرزی وجود دارد که تقریباً نیمی از جمعیت کشور را در برمی‌گیرد. ساکنان مرزنشین این استان‌ها جمعیتی بین ۵ تا ۱۰ میلیون را تشکیل می‌دهند. مساحت بالای استان‌های مرزی، جمعیت بالای مناطق مرزی خود یکی از دلایل اصلی اهمیت مقوله مرز و مسائل مرتبط با آن است.

یکی از ویژگی‌های اصلی مناطق مرزی، دوری از مرکز کشور است. این مسئله جغرافیایی که از طبیعت مناطق مرزی ناشی می‌شود، پیامدهای نامطلوبی را برای مناطق مرزی به همراه دارد که مهم‌ترین آن، محرومیت شدید و حاشیه‌ای بودن این مناطق نسبت به مسیر امواج توسعه کشور است دوری از مرکز جغرافیایی کشور که به معنای دوری از مراکز قدرت و تصمیم‌گیری سیاسی، اداری، قضایی و اجرایی است، باعث می‌شود مناطق مرزی کمتر در جریان برنامه‌های توسعه داخلی قرار گیرند در ادامه به برخی از مسائل اجتماعی مناطق مرزی و میزان اهمیت آنها در زیست مرزنشینان اشاره می‌کنیم.

حدود نیمی از جمعیت کشور در استان‌های مرزی ساکن شده‌اند و نیمی از مهاجران کشور نیز مربوط به این استان‌ها هستند مهاجرت را می‌توان پدیده پیچیده‌ای دانست که با زمان فرهنگ و شرایط اقتصادی در ارتباط است مهاجرت به عنوان یک نوع تطبیق و سازگاری اجتماعی در پاسخ به نیازهای اقتصادی اجتماعی و تحولات فرهنگی که از جریان تغییرات جمعیتی ناشی می‌شود، در سطح محلی، ملی و یا بین‌المللی پدید می‌آید (Sheikhi, 2000:159). بر اساس نتایج سرشماری طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ حدود ۱۲ میلیون نفر مهاجر در کشور جابه‌جا شده‌اند در دوره ۱۳۸۵-۹۰ حدود ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر و در دوره ۹۵-۱۳۹۰ به ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر بوده است. رقم مهاجرت برای استان‌های مرزی طی دوره‌های مذکور به ترتیب ۵ میلیون و ۴۳۰ هزار نفر ۲ میلیون و ۳۵۰ هزار نفر و ۱ میلیون و ۸۴۰ هزار نفر بوده است؛ بنابراین، مهاجرت بالای مردم این مناطق و خالی از سکنه شدن این نواحی یکی از مهمترین مسائل اجتماعی مرزنشینان است.

از طرفی مرزهای کشور با کشورهای اطراف از نوع مرزهای تحمیلی است. مرزهای تحمیلی از مرزهایی هستند که به‌طور ناخواسته و بدون تمایل باطنی با توافق اجباری تعیین شده است. این مرزها غالباً بعد از جنگ و درگیری شکل‌گرفته و تأمین‌کننده نظرات و خواسته‌های کشور فاتح بود؛ و پذیرش آن از جانب کشور شکست‌خورده ناخواسته و تحمیلی بوده است؛ مانند مرزهای شمال غربی کشور که با انعقاد عهدنامه ترکمانچای مرزبندی شده است. بدین ترتیب مردمی که از یک نژاد با یک‌زبان بوده و با داشتن فرهنگ مشترک سال‌ها با هم زندگی کرده‌اند، در اثر عبور خط مرزی به دو دسته تقسیم شده و هر یک تحت لوای حکومت جداگانه به سر می‌برند (Sanaei, 2005:20).



وجود محرومیت‌های شدید اقتصادی و میزان بالای بیکاری در مناطق مرزی، در افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و سایر اموری که با منافع ملی کشورها در تضاد است نمود پیدا می‌کند. بر اساس مطالعات انجام‌شده مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه، از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه‌نیافته برخوردارند (Andalib, 2001:196). وضعیت معیشتی نامناسب، در کنار انواع محرومیت‌های دیگر که استان‌های مرزی و مناطق مرزنشین با آنها درگیر هستند، ضرورت بررسی مسائل این مناطق را خاطرنشان می‌کند. علاوه بر مهاجرت، وضعیت مناطق مرزی در دیگر شاخص‌های اجتماعی نیز نامناسب است. از منظر شاخص‌های آموزشی مناطق مرزی با کمبود امکانات شدیدی روبه‌رو هستند نرخ بی‌سوادی این استان‌ها از میانگین کشور بالاتر است. ۱۲ استان مرزی نرخ بی‌سوادی بالاتر از میانگین دارند و نرخ بی‌سوادی استانی مثل استان سیستان و بلوچستان (۲۳،۸ درصد) تقریباً دو برابر میانگین کشوری (۳،۱۲ درصد) است. از منظر شاخص‌های بهداشتی نیز استان‌ها و مناطق مرزی از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. اغلب این استان‌ها در شاخص‌هایی مثل تعداد تخت فعال بیمارستانی و یا تعداد پزشک به هر صد هزار نفر جمعیت از میانگین کشوری پایین‌تر بوده و از امکانات و تجهیزات پزشکی و بهداشتی لازم در این مناطق محروم هستند. وضعیت معیشتی نامناسب این مناطق (فقر و نرخ بیکاری بالا) نیز مزید بر علت شده و مسائل اجتماعی آنها را باز تولید می‌کند. همان‌طور که ذکر شد مناطق مرزی از مناطق توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته به شمار می‌روند و نسبت به مناطق داخلی محروم‌تر هستند. تاکنون اگر توجهی شده باشد به ابعاد اقتصادی توسعه‌ی این مناطق تمرکز شده است که اتفاقاً به دلیل عدم اهمیت به ابعاد دیگر چون مسائل اجتماعی راهکارهای اقتصادی نیز راه به‌جایی نبرده‌اند. در حقیقت ابتدا باید به این مسئله پرداخت که در چه گفتمان یا پارادایم نظری‌ای مسائل اجتماعی مرزنشینان پرابلماتیک نمی‌شود. اساساً چرا این مسائل در سایه حوزه‌های اقتصادی و امنیت قرار می‌گیرد. در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم.

2- پیشینه پژوهش

اکثر مطالعاتی که در خصوص مناطق مرزی و مرزنشینان صورت گرفته است، به مسائل و موضوعات اقتصادی و یا امنیتی این مناطق می‌پردازند. مسائلی چون عوامل مؤثر بر امنیت (Ghadermazi et al., 2019)، اقتصاد مناطق مرزی (Lotfi & Musizadeh, 2018)، بازارچه‌های مرزی (Zare et al., 2015)، تعاونی‌های مرزنشینان (Jumapour & Talebi, 2012)، عوامل و زمینه‌های قاچاق کالا (Aslani et al., 2015)، عوامل بازدارنده توسعه اقتصادی (Ramezani & Ghasemi, 2021)، مشارکت مرزنشینان در جلوگیری از جرائم مرزی (Zibande & Faiz Bakhsh, 2015) صورت گرفته است. در حقیقت، دو حوزه‌ی کلان پژوهش یعنی امنیت و اقتصاد بیشترین پژوهش‌ها را در مناطق مرزی به خود اختصاص داده‌اند؛ اما پژوهش‌های مرتبط با حوزه‌ی اجتماعی بیشتر به موضوعاتی چون رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی (Rezapour, 2016)، احساس امنیت اجتماعی (Malek Hosseini, 2015)، تجربه‌های زیسته مرزنشینان از مرز (Fatuhi & Fazli, 2019) و سنجش اعتماد اجتماعی بین مرزنشینان (Naimi & Mehdizad, 2017) پرداخته‌اند. در ادامه به نتایج دو پژوهش که ارتباط نزدیکی با موضوع این پژوهش دارند، می‌پردازیم.

در مقاله «شهرهای مرزی و مسائل اجتماعی» (Saidipour & Mirzaei, 2012) به موضوع مسائل اجتماعی مرزنشینان، به‌طور موردی استان سیستان و بلوچستان



پرداخته شده است. به نظر نویسندگان از جمله نواحی که مردمان آنها درگیر مسائل اجتماعی گوناگونی هستند، شهرهای مرزی هستند که متعاقباً امنیت و مسائل اجتماعی آنها سایر شهرها را مورد تأثیر قرار می‌دهد. با اینکه این مقاله مدعی پرداختن به مسائل اجتماعی مرز نشینان است، اما این مقوله را از زاویه تأثیر آن بر امنیت می‌سنجد. به نظر آنها نامنی مناطق مرزی باعث نگرانی مرز نشینان و دولت مرکزی می‌شود. به نظر آنها اهمیت مسائل اجتماعی در روند توسعه جوامع و امنیت مرز نشینان مورد توجه محققان قرار گرفته است. روش تحقیق این پژوهش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع دست‌اول بوده است. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که ساکنان مرز اعتماد زیادی نسبت به یکدیگر دارند و وجود برخی مسائل مهم چون قاچاق انسان مشروبات الکلی و ورود کالاهای نامتعارف فرهنگی معضلات فراوانی چون اعتیاد و فساد اخلاقی برای جوانان این شهرها به ارمغان آورده است.

در مقاله تأثیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی - مرز نشینان - بر قاچاق کالا (Shatrian et al., 2011) نویسندگان به موضوع توسعه نامتوازن در کشور که موجب نابرابری‌های فضایی، اجتماعی و اقتصادی شده و در نتیجه باعث قاچاق کالا می‌شود، می‌پردازند پژوهش مذکور با روش کتابخانه‌ای و پیمایش انجام شده است. این پژوهش راهکارهایی آمایشی برای کاهش قاچاق کالا از طریق بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی مرز نشینان ارائه داده است این راهبردها شامل: ایجاد زمینه‌ی مناسب برای بهره‌مندی از خلاقیت و نوآوری جوانان در کارآفرینی و بنگاه‌های زودبازده، گسترش مبادلات اقتصادی به ویژه در بخش کشاورزی، استفاده از موقعیت اقتصادی و ژئواستراتژیک منطقه در هم‌جواری با کشورهای همسایه، ایجاد شرایط مناسب برای گسترش سرمایه‌گذاری در منطقه با استفاده از نیروهای متخصص و بومی، شفافسازی قیمت‌ها است. همان‌طور که مشخص است، کمتر پژوهشی بی‌واسطه به موضوع مسائل اجتماعی مرز نشینان و سیاست‌هایی که منجر به آن می‌شود و بازنمایی این موضوعات در رسانه پرداخته‌اند. یکی از علل اصلی ضرورت پژوهش اخیر نیز همین مورد است.

3- مبانی نظری

در این ارتباط ابتدا به تعریف مفاهیم مرز و دیگری سازی (خلق دیگری) می‌پردازیم و سپس چارچوب گفتمانی که در آن دیگری سازی صورت گرفته در همین چارچوب اساساً مسائل اجتماعی مرز نشینان نیز در سایه مقوله‌های امنیتی و اقتصادی قرار می‌گیرد را تشریح می‌کنیم.

تعریف مفهوم مرز

مرز را می‌توان خطوط ساختگی‌ای تعریف کرد که با شکل‌گیری دولت‌های سرزمینی ایجاد شده و بدون در نظر گرفتن همسانی‌های قومی، فرهنگی و مذهبی یک منطقه، همواره به صورت عاملی تنش‌زا و خطرآفرین برای تمامیت ارضی سرزمین ظاهر شده است (Saremi et al., 2016). در تعاریف علمی بر این گزاره توافق وجود دارد که مرز به خطی پیرامونی برای جداسازی سیاسی دو سرزمین اطلاق می‌شود، این خط می‌تواند با مظاهر طبیعت مانند کوه‌ها و یا به صورت قراردادی بین دو واحد سیاسی ترسیم شود (Heidari Sarban, 2016). همچنین در مقابل تعریف قراردادی و سخت‌افزاری، تعریف نرم‌افزاری مرز مورد تأکید قرار گرفته که در آن مرزها بر اساس هم‌گرایی‌های فرهنگی، قومیتی، زبانی، مذهبی و... تعریف می‌شوند (Saremi et al., 2016)؛ به عبارت دیگر در مقابل تعاریف کلاسیک مانند مایکل فوچر¹ که کار کرد بنیادی مرزها

¹. Micael Foucher



را تقسیم‌بندی‌های فضایی و زمانی در روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و... در روابط بین‌الملل در نظر می‌گیرد و همچون دانیل کولارد¹ به اهمیت مرزها در جنگ و صلح در روابط بین‌الملل تأکید دارد، در تعاریف نرم‌افزاری جدید، مطالعات مرزی از حوزه خاص جغرافیایی خارج شده و به مطالعات چند رشته‌ای انتقال‌یافته است (Moraczewska, 2010) و همچنین از مبحث فضایی به مبحث کاربردی شیف‌ت یافته است. مورازوسکا معتقد است مرزها می‌توانند نقش مهمی در برقراری صلح میان دو کشور همجوار و حتی در سطح بین‌المللی ایفا کنند؛ به عبارت دیگر دولت‌ها در جریان اتخاذ سیاست در خصوص مرزها به صورت هم‌زمان سیاست خارجی خود را نیز در فضای بین‌المللی رقم می‌زنند. به نظر مورازوسکا در فضای بین‌المللی معاصر نمی‌توان نقش فاکتورهایی چون جهانی شدن، پروسه‌های فراملی و قلمرو زدایی² را در تعریف مرزها نادیده انگاشت.

تعریف مفهوم دیگری سازی (خلق دیگری)

در این مطلب خاستگاه نظری مفهوم دیگری سازی با خلق دیگری، بیش از هر جا در قرابت با تئوری‌های پسا ساختارگرایی و پسا استعماری دنبال می‌شود. ردگیری این مفهوم در مبحث گفتمان فوکو می‌تواند ما را به یک مبنای نظری گویا رهنمون سازد. گفتمان عبارت از یک نظام معنایی است که به دلیل غلبه نوعی از نظام اجتماعی با نظام شناختی، شکل می‌گیرد و به بازتولید و دوام آن نظام خدمت می‌رساند. این نظام معنایی کنترل‌شده که با همدستی دانش و قدرت خلق می‌شود وظیفه‌ی بازنمایی در یک جامعه را به عهده دارد و به کنترل و مرزبندی شیوه‌ها و ابزار برای بازنمایی دست می‌زند (Abbaszadeh, 2011) طبق قاعده روش‌شناسانه‌ی درون ماندگاری³ فوکو، در صورت‌بندی دانش مدرن اگر چیزی به عنوان قلمرو پژوهش برساخته شده باشد، تنها به این دلیل است که روابط قدرت آن را به عنوان یک ابژه‌ی ممکن به وجود آورده است و قدرت فقط می‌تواند بر چیزی اعمال شود که تکنیک‌های دانش و رویه‌های گفتمان قادر به بررسی آن باشد پزشکی و سیاست نمونه‌ی خوبی از این ارتباطاند پزشکی در همدستی‌ای میان قدرت و دانش به برساخت مدلی از انسان به عنوان انسان سالم که به تضمین فایده‌ی اقتصادی توده‌های جدید مردم در محیط‌های شهری متمرکز منتهی می‌شد و در مقابل آن، دیگری که فاقد سلامت و فاقد چنین فایده‌ای بود دست زد، این دیگری سازی با ابزارهای جمع‌آوری دانش همانند ابزارهای نظارت بر جمعیت‌ها دستگاه مشاهده و مداخله همراه بوده است (Foucault, 1995 and 2006).

بعد از مطرح‌شدن نظریات جدید پسا ساختارگرایی در نقد عقل مدرن، حقیقت و پیشرفت غربی بسیاری از نظریه‌پردازان کشورهای مستعمره و تا حدودی تحصیل‌کرده‌ها و روشنفکران این کشورها انتقادات پیچیده‌ای را تحت عنوان پسا استعمارگرایی شکل دادند. در اصل ایده نقد پسا استعماری محدود کردن بازانديشي ریشه‌ای دانش و هویت‌های اجتماعی است که توسط استعمارگرایی و سلطه غرب تصویب و تأیید شده‌اند (Peet, 1999: 192). سعید برای بررسی ابعاد سیاسی و فرهنگی مناسبات قدرت بین منطقه‌ای از نظریه گفتمان فوکو استفاده کرد و معتقد بود که تقابل دوگانه مانند شرق / غرب تمامی تعاملات بین اروپاییان و ملل دیگر را تعیین می‌کند. سعید

¹. Daniel Colard

². Deterritorialization

تمایل دولت‌ها و واحدهای سیاسی برای انگیزه دادن به توده‌های مردم در جهت حرکت به سوی جهانی شدن و بهره‌گیری از دستاوردهای آن

³. immanence



بر این باور بود که تعبیر نظریه‌های مربوط به شرق به روشن شدن تصویر ضدونقیض از اروپا به عنوان دیگری مکانی و فرهنگی خود کمک کرد (Peet, 1999: 194). وی همچنین در بسط نظریه خود با بهره‌گیری از آراء دریدا در باب نظام معنایی دیگری سازی را ابزاری برای تثبیت هویت خود و لازمی تقویت گفتمان ملی‌گرایی در غرب به حساب آورد. در نظرگاه دریدا خلق و پرورش یک معنا در یک گفتمان نیازمند اختیار کردن تقابل‌های دوتایی در معنا سازی و تولید دیگری است به عبارت دیگر برای بر ساخت آنچه هست ناگزیر به تولید آنچه نیست هستیم (Eagleton, 1983). بر همین مبنا و بر مبنای نظریه‌ی «خلق دیگری» در نظریه‌ی شرق‌شناسی، در این مقاله مفهوم «دیگری سازی» برای تبیین استراتژی دولتها در ایران در رابطه با مرز نشینان که غالباً اقلیت‌های قومیتی و مذهبی را شامل می‌شوند بهره گرفته می‌شود.

3-1 نظریه خلق دیگری

در مورد سیاست‌های دولتها در برخورد با مسائل مربوط به مرز، نظریات متعددی مطرح شده است. در این راستا عمده نظریات به جنبه‌های ساختاری جامعه و انحصار موقعیت‌های اجتماعی از سوی اعضای گروه مرکزی و حاکم تمرکز کرده‌اند. توزیع تبعیض‌آمیز و غیرعادلانه فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از جمله فرصت‌های رفاهی، علمی، فرهنگی و منزلتی از موضوعاتی است که به ظن صاحب‌نظران در اعتماد گروه‌ها و در ایجاد همبستگی ملی در یک هویت سرزمینی و یا ایجاد ناسیونالیسم قومی در گروه‌های مرز نشین که عموماً در قومیت، مذهب و فرهنگ با مرکز نشینان متفاوت‌اند، تأثیرگذار است. در این ارتباط می‌توان به عنوان نمونه نظریات محرومیت نسبی تد رابرت گر و رائی مان و هوندیش که بر اساس آن احساس عقبماندگی از قوم مرکز و مقایسه میزان ارضای نیازهای خود در برابر قوم غالب منجر به نارضایتی و احساس فرودستی می‌شود، همچنین نظریات معروف به استعمار داخلی کویوگلو هشر و پیتربلا که به تأثیر تقسیم تبعیض‌آمیز منابع و امکانات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و عدم مبادله بر اساس عدالت توزیعی در ایجاد نارضایتی و بحران در میان گروه‌ها تأکید ورزیده‌اند اشاره کرد. به دیگر سخن آنچه مدنظر نظریه پردازان قرار دارد این است که با برقراری مرز میان دو کشور و ایجاد مناطق حاشیه‌ای محرومیت و احساس توسعه نیافتگی در مقایسه با مرکز در کنار خطرات و تهدیدات امنیتی مهمترین نکات منفی مرزها را تشکیل می‌دهند (Saleh Amiri, 2006 and Mir Lotfi, 2014 and Kazemi, 2016).

در پژوهش حاضر وقوف بر نظریات پیشین و همچنین مطالعه و تحقیق در نظریات جدیدتر محقق را به کار بست چارچوب نظری شرق‌شناسی در خصوص رابطه دولت و گروه‌ها در ارتباط با مدیریت و کنترل امنیت مرز سوق داده است. نتایج سیاست‌های رفاهی و نحوه توزیع منابع همچنین استراتژی‌های فرهنگی و آموزشی و برخوردهای سیاسی و نظامی در مدیریت و کنترل مرزها از سوی دولتها در ایران، در مواجهه نظری شرق شناسانه به مفهوم «خلق دیگری» اشاره دارد که به نظر می‌آید هم بازگوکننده‌ی نظریات پیشتر عنوان شده در این حوزه است و هم زوایای جدیدی از موضوع مورد نظر را در بر می‌گیرد. بر همین مبنا ابتدا به شرح نظریه‌ی شرق‌شناسی ادوارد سعید پرداخته و سپس به قرابت‌های نظری آن با سیاست‌ها و رویکرد مدیریتی دولتها در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم نظریه شرق‌شناسی سعید بیش و پیش از هر دیدگاهی منبعث از پارادایم پسا ساختارگرایی و متأثر از آرای فوکو است. واژه‌ی سوژه نزد فوکو دو معنا دارد، اولین



معنا به قدرت به عنوان تحمیل و سلطه به وسیله دیگری دلالت دارد، درحالی که دومین معنا به محدود شدن به وسیله هویت فردی؛ بنابراین تبارشناسی چگونگی بر ساختن سوژه ها به وسیله دیگران و اینکه ما چگونه در بر ساختن خود به عنوان سوژه ها مشارکت می کنیم را مورد بررسی قرار می دهد.

بزهکار فردی است که به وسیله تکنیک های نظام کیفری به وجود می آید به مانند شخصیتی که با امر بهنجار مطابقت نداشته و اصلاح ناپذیری او نه نتیجه شکست سیستم ندامتگاه بلکه محصول موفقیت آمیز آن بود زیرا به مدد تعلق داشتن به طبقه پایین جامعه مظهر قانون شکنی سیاسی مفیدی بود که می توانست برای تحذیر پرولتاریا از بی قانونی های سیاسی، زیر نظر گرفتن جماعت ها و حفظ چرخه های پلیس - زندان - بزهکار به کار گرفته شود انقیاد از طریق کردارهای تقسیم گر عمل می کند، ما با محبوس کردن هموعانمان با نام دیوانگان خود را متقاعد می کنیم که عاقل هستیم (Simons 2013:170)، دیوانگان، بزهکاران و... را به عنوان دیگری، یعنی کسانی که از قانون مندی بورژوازی و هر آنچه به عنوان قانون اخلاقی پنداشته می شود و در واقع از امر بهنجار، تخطی کرده اند، در یک مجمع الجزایر زندان گونه از نهادهای انضباطی (بیمارستان، زندان، مدرسه، ارتش و...) محبوس و مجازات می کنیم. لازمی درک فوکویی از دیگری سازی، خوانشی گفتمانی از معرفت است که بر پایه آن ساختار زبان حامل اجزای ثابت و پایدار نبوده و ارتباطات کلمات و مفاهیم بسته به زمان ها و مکان های متفاوت معانی متفاوتی را بیان می کنند. گفتمان را همچنین می توان نمایانگر تبیین زبان در ارتباطات غیرکلامی و در ورای کلمات و عبارات بلکه درکنش ها و علامات و ارتباطات اجتماعی غیرقابل تقلیل به گفتار و سخن، درک کرد. گفتمان ها درباره سوژه ها صحبت نکرده و هویت آنها را تعیین نمی کنند، بلکه سازنده سوژه ها بوده و در فرایند این سازندگی، مداخله خود را پنهان می دارند. ازاین رو معانی و مفاهیم نه از درون زبان، بلکه از درون اعمال تشکیلاتی و ارتباطات اجتماعی - سیاسی افراد با یکدیگر حاصل می شوند. (Foucault, 1969) ادوارد سعید منتقد ادبی فلسطینی به عنوان نظریه پرداز برجسته تئوری های پسااستعماری در نظریه شرق شناسی اش با استفاده از تحلیل های گفتمانی فوکو و مفهوم هژمونی گرامشی به تقابل های برساخته غربیان از شرق به عنوان دیگری و بدیل خود از نظر مکانی و فرهنگی می پردازد. ادوارد سعید در کتاب معروفش شرق شناسی به گفتمان غربی که توسط نهادها، واژگان، دانش، تصورات و دکترین ها شرق را چه به لحاظ سیاسی و چه از نظر ذهنی و فرهنگی برساخت و به وجود می آورد، اشاره می کند (Said, 1978)

سعید نقدی فراهم ساخت که بر اساس آن مطالعات و تئوری های متفکران غربی درباره شرق صرفاً به بازنمایی های برآمده از گفتمان قوم محور غربی تقلیل داده شد. بر مبنای این نظر آنچه به عنوان شرق شناسی در نهاد های آکادمیک غربی جریان داشت برساخته های بی ارتباط با واقعیتی بودند که به تقویت هویت غربی یاری می رساندند. به باور سعید غرب در جریان تقویت گفتمان ملی گرایی، نیاز به برساخت نوعی دیگری داشت که با تمیز دادن خود از آن به انسجام جامعه غربی دامن بزند. در این نگاه، غرب مبادرت به ساختن تصویری از شرق به عنوان دیگری خود کرد که شرق در آن سنخیتی با شرق واقعی نداشت. سعید در ساخت و پرداخت نظریه خود همچنین از نظریه دریدا درباره فرایند شکل گیری معنا بهره



جسته است که در آن هر چیزی با مشخص کردن فاصله‌ی خود با دیگری ای غایب و فاقد امکان سخن گفتن، معنای خود را بر می‌سازد (Abbaszadeh, 2011). ادوارد سعید در نظریه شرق‌شناسی‌اش با استفاده از تحلیل‌های گفتمانی، به تقابل‌های برساخته غربیان از شرق به عنوان دیگری و بدیل خود از نظر مکانی و فرهنگی می‌پردازد. بدیلی که هر چه غرب در مسیر پیشرفت، توسعه، عقلانیت، انسانیت و در یک‌کلام به سمت مدرنیته آرمانی به‌طور شتابان حرکت کرده و پیشتازی می‌کند به‌جای آن شرق در جهنی کاملاً معکوس یعنی به‌سوی عقبماندگی، سکون، عقلانیت ستیزی قدم برداشته و به‌طور خلاصه در ایستایی سنت از حرکت بازایستاده است و احتیاج به کمک دنیای غرب و افکار غربی دارد تا بتواند به پیشرفت و توسعه برسد. (Said, 1978 and Peet, 1999).

طرد هویت فرهنگی و مذهبی اقوام مرزنشین که به علت تفاوت با مرکز نشینان به عنوان نوعی تهدید به آن نگریسته می‌شود. نه‌تنها به شکل توزیع نابرابر امکانات و منابع و ایجاد فضای امنیتی بلکه با تولید دانش تک‌گویانه و خودمحورانه در فضای فرهنگی کشور نیز همراه بوده است (در این مورد به‌طور مثال میزان پرداختن به زندگی مرزنشینان در کتب درسی بسیار ناچیز است) و در مقابل پرورش فرهنگ و گفتار قومیتی کمتر دیده‌شده است. سعید در شرح و بسط نظریه‌ی خود، گفتمان شرق‌شناسی، به بررسی محتواهای تولیدشده‌ی محققان و نویسندگان فضا‌های آکادمیک می‌پردازد. موضوع مدنظر ما نیز مواجهه با نوعی تبیین آکادمیک در خلق دیگری در مواجهه با قومیت و مذهب غیر در فضای اندیشگی ایران است از میزان بسیار اندک پرداختن به مرزنشینان در منابع درسی مدارس و تحمیل خودمحورانه زبان و گویش قوم مرکز به کل اقوام، گرفته تا ورود دوگانه‌های شهری / روستایی، متن / حاشیه، مدرن / سنتی، پایتخت‌نشین / شهرستانی، به مطالعات دانشگاهی و پژوهش‌ها در خصوص علل توسعه‌نیافتگی این مناطق که به کوچک شماری خشونت‌آمیز این اقوام می‌انجامد، می‌تواند نمونه‌ای از مصداق‌های دیگری سازی فرهنگی و برساخت «دیگری فروتر» برشمرده شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های مناطق مرزی که باعث می‌شود فرایند دیگری سازی و نگاه امنیتی - نظامی در آن تشدید شود مقوله‌ی امنیت و ضرورت ایجاد امنیت در مرزهاست. بر کسی پوشیده نیست که در بررسی جوانب مختلف برنامه‌ریزی برای مناطق مرزی نمی‌توان از مقوله امنیت چشم‌پوشی کرد. بحث امنیت مرزی که به‌طور اجتناب‌ناپذیری با امنیت کشور گره‌خورده است مسئله‌ای مهم، حساس و غیرقابل‌اغماض است. درواقع بدون داشتن امنیت چه در مرز و در نتیجه آن در کل کشور، هیچ‌گونه برنامه‌ریزی و صحبت از توسعه پایدار و متوازن امکان‌پذیر نیست. از همین رو، به‌منظور تجزیه و تحلیل موشکافانه مسئله مرز و انتخاب استراتژی مناسب امنیتی، ناگزیریم به مبحث امنیت و نحوه تأمین آن در نواحی مرزی نیز توجه داشته باشیم. رویکردهای متفاوتی نسبت به مقوله مرز، به‌خصوص در کشورهای خاورمیانه با توجه به موقعیت استراتژیک آن وجود دارد که به‌طورکلی می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد: استراتژی تهدید محور، فرصت محور و تلفیقی.

- رویکرد تهدید محور: پایه و مبنای این استراتژی بر تهدیدزا بودن مرزها و مناطق مرزی استوار است. در این نگرش توجه به تهدیدها در مقابل فرصت‌ها در رابطه با مرزها پررنگ است. در این استراتژی، چارچوب کنترل و مدیریت مرز در قالب شیوه‌های نظامی



- و امنیتی محقق می‌شود و نیروهای نظامی و انتظامی، متولی سیاست‌ها و راهکارها در اداره و کنترل مرزها خواهند بود.
- رویکرد فرصت محور: در این استراتژی برخلاف استراتژی قبلی که توجه به تهدیدات را مبنا قرار می‌داد، اولویت و توجه اصلی به مدیریت مطلوب مرزها برای رسیدن به فرصت‌ها است؛ بنابراین تلاش می‌شود که زمینه‌های خلق فرصت‌ها در همه بخش‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی فراهم شود و با توسعه مناسب در این بخش‌ها، بسیاری از عوامل تهدیدزا برطرف شوند و از بین بروند. بر اساس این تفکر، قرار گرفتن مرزها در حصار امنیتی و انتظامی و کنترل‌های شدید نظامی موجب از بین رفتن فرصت‌ها و نابودی امکانات و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل منطقه می‌شود که در نتیجه شاهد یک چرخه معیوب توسعه‌نیافتگی و فقر در مناطق مرزی خواهیم بود.
 - رویکرد تلفیقی: در این نگرش تمام جنبه‌های تهدید و فرصت در مدیریت مرز به‌طور هم‌زمان در نظر گرفته می‌شود. بر مبنای این راهبرد، در عین حال که ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل موجود برای رشد و توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مناطق مرزی و پیرامونی آنها در نظر گرفته می‌شود - که عاملی برای تولید قدرت ملی و توسعه کشور نیز خواهد بود - از عوامل تهدیدزا و آسیب‌هایی که منافع ملی را در این مناطق به مخاطره می‌اندازند نیز غفلت نمی‌شود؛ یعنی سیاست‌های مقابله‌ای و اقدامات اجرایی مربوط به عمران و توسعه مناطق مرزی به‌گونه‌ای هم‌زمان دنبال می‌شوند (Aslani et al., 2014: 33-34).

آنچه رفت‌نشان می‌دهد که شیوه تقویت گفتمان ملی‌گرایانه در جامعه ما کمتر بر توزیع برابر امکانات و منابع تخصیص بدون تبعیض سمت‌ها و مناصب به‌خصوص در میان مذاهب، توجه به تفاوت‌های فرهنگی با ایجاد فضای آزاد برای قومیت‌ها در ترویج اعتقاداتشان تمرکز داشته و به سمت همسان‌سازی¹ فرهنگی به معنای سیاست‌گذاری برای ترویج و بسط فرهنگ قوم مرکز و مذهب غالب گرایش داشته است. برخلاف هدف این گفتمان، بیشتر موجب چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای چون قوم‌گرایی‌های رادیکال که به هزینه‌های سیاسی برای حکومت می‌انجامد (در بالاترین سطح)، ایجاد احساس رنج دور بودن از مرکزیت توجه، تشدید فزاینده‌ی روحیه‌ی مرکز ستیزی و همراه نشدن با گفتمان مرکز (در سطح متوسط) و بالا رفتن میزان جرائم مرزی که به ایجاد فضای امنیتی نظامی و مدیریت تنبیهی و تهدید محور (در سطح عمومی) و چالش‌هایی ازین دست شده است.

سازوکار دیگری که در همسان‌سازی دست‌اندرکار بوده، شکل‌گیری گفتمانی است که پیشرفت و توسعه مناطق مرزی را به عنوان بدیل فرهنگی و مکانی برای قوم مرکزی در نظر گرفته است. از این‌که به نحوی برساخت می‌شود که مناطق مرکزی در مسیر پیشرفت، توسعه، عقلانیت و مدرنیته آرمانی به‌طور شتابان حرکت کرده و پیشتازی می‌کند (فارغ از میزان تفاوت آن در واقعیت)، در مقابل با برچسب عقب‌ماندگی، سکون و عقلانیت ستیزی به شهرستان‌ها و روستاها که مناطق مرزی شامل آن می‌شود منجر به ساختن دوگانه سنتی و مدرن می‌شود. حاصل این دوقطبی سازی شدید (مدرن یعنی مناطق مرکزی در برابر سنتی یعنی مناطق حاشیه با مرزی) استدلال لازم را برای از بین بردن فرهنگ‌های این مناطق (به عنوان علت عقب‌ماندگی

¹. Assimilation



آن‌ها) مهیا می‌کند. این نگاه خود برتر انگارانه در برنامه‌های توسعه در نهادهای آکادمیک در رسانه‌ها بخصوص کلیشه‌سازی‌های تلویزیونی و امثالهم دنبال می‌شود.

اما آنچه به ظن نظریه‌ی «خلق دیگری» در نتیجه چنین برتری‌جویی‌ای حاصل می‌شود، نه تثبیت هویت خود و تقویت ملی‌گرایی در اقوام بلکه به خلق گفتمانی وارونه با واکنش‌های تند ایدئولوژیک و قطبی شدن دوتایی‌ها همچنین به دیگری سازی‌های مفرط که شناخت صحیح دیگری را مختل می‌سازد می‌انجامد. (Abbaszadeh, 2011)

همسان‌سازی به معنای اتخاذ سیاست هضم و جذب اقلیت در جامعه برتر و ایجاد تجانس در میان گروه‌های جامعه بدون در نظر گرفتن ویژگی‌ها و حقوق قومی و گروهی (Salehi Amiri, 2006) و همچنین به معنای تلاش در تطابق دادن اقلیت با اکثریت در سطوح مختلف فرهنگی و اجتماعی به‌کاررفته است. میل‌تون. ام. گوردون، جامعه‌شناس آمریکایی بر شکست سیاست همسان‌سازی در جامعه تمرکز کرده و این سیاست را با مقاومت اقلیت برای حفظ حقوق و فرهنگ خود مواجه می‌داند (Nourbakhsh, 2008). بر این اساس همسان‌سازی از سوی گروه حاکم می‌تواند به شیوه غیرمستقیم و با عدم تلاش برای ارتقا اقتصادی گروه اقلیت محقق شود یعنی قرار گرفتن گروه اقلیت در تنگناهای اقتصادی در اثر برخورد تبعیض‌آمیز گروه حاکم در توزیع منابع و امکانات رفاهی، قوم فرودست را مجبور به همانند شدن با گروه مرکز کند، همان‌طور که آمد در این شرایط واکنش گروه اقلیت به تلاش برای محافظت از حیات فرهنگ خویش حتی تا رادیکالیزه شدن پیش می‌رود و اگر کسی از میان قوم ضعیف با گروه حاکم همراه شود با واکنش منفی هم‌کیشان خود مواجه خواهد شد (Saleh Amiri, 2006). بر اساس نظریات مطروحه می‌توان نتیجه گرفت جوامعی که همسان‌سازی را به عنوان سیاست مدیریت اختلافات میان اقوام برمی‌گزینند به دیگری سازی در دو مرحله دامن می‌زنند، مرحله اول اقدام برای اجرای این سیاست، با نادیده گرفتن و کوچک شماری فرهنگ قوم فرودست همراه بود و طی آن «دیگری» قوم برتر ساخته می‌شود و در مرحله بعد در وضعیتی که مقاومت از سوی قوم اقلیت شکل‌گرفته گروه حاکم در جریان سرکوب این مقاومت ناگزیر است به دیگری سازی شدت ببخشد.

در مقابل الگوی همسان‌ساز، الگوی تکثرگرا از سوی نظریه‌پردازان پیشنهاد شده که بر مبنای آن در جامعه کثرت‌گرا الحاق تمام گروه‌های فرهنگی و مذهبی به یک نظام اجتماعی به نحوی دنبال می‌شود که متضمن حفظ و حراست از ارزش‌ها و حقوق همه‌ی گروه‌ها اعم از اقلیت و اکثریت است. در رویکرد تکثرگرا همزیستی و مشارکت میان گروه‌ها با حفظ مرزهای جداکننده همراه است و با نوعی اشتراک سازمانی میان گروه‌های متمایز آنها را حول یک ساختار مشترک سیاسی اقتصادی که هر گروه در آن به حقوق خود نائل آید، گرد هم می‌آورد. (Salehi Amiri, 2006).

الگوی تکثرگرا در برابر الگوی همسان‌ساز و خلق دیگری، می‌تواند به عنوان رویکرد و پارادایم فکری جایگزین رویکرد موجود مطرح و اتخاذ شود. با انتخاب این رویکرد و تغییر نگاه در سطح کلان به استان‌ها و مناطق مرزی می‌توان امیدوار بود که در سطح پایین‌تر و برنامه‌ریزی نیز تغییرات ایجاد شده به توسعه‌ی اجتماعی و حل مسائل اجتماعی مرزنشینان بیانجامد. اجتماعی کردن فضای امنیتی موجود در مناطق مرزی و مشروعیت بخشیدن به تکثر فرهنگی، زبانی و قومی که در این نواحی وجود دارد، هم امنیت اجتماعی ساکنان این مناطق را تأمین کرده و هم با کاهش



مسائل اجتماعی در تأمین امنیت نظامی مرزها و کشور نیز مؤثر خواهد بود در جدول زیر، خلاصه‌ای از نظریه‌ی تبیین‌کننده و سیاست‌های میانی و اثرات و نتایج این سیاست‌ها ارائه می‌شود.

جدول ۱: رویکرد سیاست خلق دیگری سیاست‌های سطح میانی و نتایج

Table 1. Another production approach, intermediate policies and results

رویکرد اصلی	سیاست‌های سطح میانی	نتایج و بازخوردها
سیاست خلق دیگری	اتخاذ سیاست همسان‌سازی: * سرمایه‌گذاری برای ترویج فرهنگ قوم مرکز * نادیده انگاشتن یا فرو انگاری فرهنگ اقلیت * بدیل سازی خود برترانگاران	در سطح بالاتر: خلق گفتمانی وارونه با واکنش‌های تند ایدئولوژیک و قطبی شدن دوتایی‌ها و در نتیجه قوم‌گرایی‌های رادیکال که به هزینه‌های سیاسی برای حکومت می‌انجامد
	ایجاد فضای امنیتی و نظامی: * تمرکز بیشتر بر محافظت نظامی از مرزها و سرمایه‌گذاری کمتر در ایجاد امنیت غیرنظامی در اثر تهدید انگاشتن مرزنشینان به بهانه هم‌نژادی این قوم با مردم کشورهای هم‌جوار و جرم خیزی مناطق مرزی	در سطح متوسط: تشدید فزاینده‌ی روحیه‌ی مرکز ستیزی و همراه نشدن با گفتمان مرکز و در نتیجه تبدیل مرز از فضای فرهنگی - اجتماعی به فضای سیاسی
	اتخاذ سیاست تبعیضی: * برخورد تبعیض‌آمیز در خصوص توزیع منابع و امکانات و مناصب	در سطح عمومی: بالا رفتن میزان جرائم مرزی که به ایجاد فضای امنیتی نظامی و مدیریت تنبیهی و تهدید محور دامن می‌زند
		ایجاد رنج عدم دسترسی به امکانات بخصوص در مقایسه با مرکز نشینان ایجاد رنج دور بودن از مرکزیت توجه

4- روش پژوهش

روش کلی تحقیق روش تاریخی - اسنادی^۱ است. با بررسی تاریخی روند مسائل اجتماعی مرزنشینان در دهه‌ی ۸۰ و ۹۰، به توصیف و تبیین علل شکل‌گیری این مسائل در یک فرایند تاریخی پرداخته خواهد شد. پژوهش تاریخی و استفاده از روش تاریخی بررسی نقادانه‌ی رویدادها تحولات و تجارب گذشته، محک زدن دقیق شواهد مربوط به روایی منابع اطلاعاتی در گذشته و تفسیر این شواهد است (Kerlinger, 1997: 481-482). در نتیجه با رجوع به منابع و اسناد تاریخی دست‌اول و یا دست دوم به گردآوری اطلاعات پرداخته خواهد شد. در تحلیل اسناد و داده‌ها از تحلیل محتوا و بخشی فرا تحلیل (استفاده از تحلیل و نتایج تحقیق دیگران) و گردآوری اطلاعات از تحلیل ثانویه^۲ و در برخی بخش‌ها از تحلیل‌های آماری نیز استفاده می‌شود.

5- یافته‌های تحقیق

در این بخش ابتدا به رصد خبری مسائل اجتماعی مرزنشینان و پس‌از آن توصیف دقیق‌تر وضعیت مسائل اجتماعی مناطق مرزی پرداخته و پس از شرح دقیق این وضعیت به علل ایجاد این معضلات، نقد سیاست‌ها و بیان راهکارهای جایگزین می‌پردازیم. هدف از رصد خبری موضوع پژوهش یعنی مسائل اجتماعی مرزنشینان در بین برخی از رسانه‌های اصلی کشور یافتن وضعیت بازنمایی رسانه‌ای از مناطق مرزی است. اینکه در مورد این مناطق چه موضوعاتی به محور اصلی بازنمایی رسانه‌ای تبدیل‌شده‌اند به‌منظور

¹. The historical method

². Secondary analysis



مقایسه‌ی بهتر موضوع مورد بررسی در زمینه‌ی مطرح شده، ابتدا به جستجوی واژه «مرزشینان» در رسانه‌های خبری مذکور پرداخته ایم خبرهای مورد بررسی در ۵ حوزه: اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، امنیتی، محیط‌زیستی و سیاسی تقسیم شده‌اند. رسانه‌های مورد بررسی در این بخش شامل خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) و خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان بوده است. نتایج این جستجو در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲. نتایج رصد خبری خبرگزاری‌های ایسنا، ایرنا و خبرنگاران جوان

Table 2. The results of news monitoring of news agencies ISNA, IRNA Young Journalists Club and

موضوعات محوری	زمان	تعداد	حوزه‌ها
ساماندهی مبادلات کالا؛ آئین‌نامه فعالیت کولبری؛ قاچاق کالا؛ قاچاق سوخت؛ اشتغال مرزشینان (ارائه تسهیلات و ...); ساماندهی بازارچه‌های مرزی؛ توسعه راه‌های مواصلاتی در مرزها؛ خدمات الکترونیکی به مرزشینان؛ دستگیری صیادان غیرمجاز	از آذر ۱۳۷۹ الی خرداد ۱۴۰۰	456	اقتصادی
خدمات بهداشتی و درمانی؛ خطر وضعیت بهداشتی همسایگان برای مرزشینان (عراق)؛ جلوگیری از بیماری (آنفلانزا)؛ امنیت اجتماعی؛ مباحث آموزشی و کمبود امکانات آموزشی؛ جلوگیری از تهاجم فرهنگی	از مرداد ۱۳۸۱ الی خرداد ۱۴۰۰	28	اجتماعی - فرهنگی
ایجاد امنیت پایدار از طریق تعامل با مرزشینان؛ وضعیت مطلوب امنیت مرزها؛ نقش مرزشینان در مبارزه با قاچاق کالا؛ قاچاق سوخت؛ قاچاق مواد مخدر؛ تعامل با کشورهای همسایه برای حفظ امنیت؛ رزمایش مشترک؛ ورود غیرمجاز اتباع کشورهای همسایه؛ انسداد مرز (بودجه و ...); جنایات تروریستی؛ جشنواره‌ی امنیت مرز؛ نقش رسانه بر تأثیر امنیت	از مهر ۱۳۸۱ الی خرداد ۱۴۰۰	283	امنیتی
-	از مرداد ۹۳ الی خرداد ۱۴۰۰	14	محیط - زیستی
-	-	-	سیاسی
مقابله با ریزگردها، افزایش دما، بیابان‌زدایی	از آذر ۱۳۷۹ الی خرداد ۱۴۰۰	781	مجموع

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود از ۷۸۱ مورد نتیجه جستجو، بیشترین اخبار در مورد حوزه اقتصادی با ۴۵۶ خبر یعنی ۵۸ درصد از کل اخبار مربوط به مرزشینان با اهم موضوعاتی چون ساماندهی مبادلات مرزی اشتغال مرزشینان، بازارچه‌های مرزی و ... است. پس از آن حوزه امنیتی با ۲۸۳ خبر یعنی ۳۶ درصد کل اخبار قرار دارد؛ اما در حوزه اجتماعی و فرهنگی مرزشینان تنها ۲۸ خبر (۳٫۵ درصد) وجود داشته که موضوعات متفاوتی چون وضعیت بهداشت و آموزش مرزشینان و تهاجم فرهنگی در این نواحی پرداخته است. در انتها نیز حوزه محیط‌زیست با ۱۴ خبر (۱٫۷ درصد) خبر و حوزه سیاست بدون خبر قرار دارند. جستجوی واژه‌ی مرزشینان در رسانه‌های بزرگ معتبر کشور می‌تواند در نشان دادن رویکرد غالب و نگاه رایج به مسائل اصلی مرزشینان کمک شایانی کند. همان‌طور که پیشتر ذکر شد، حوزه‌های امنیتی و اقتصادی بالاترین توجه رسانه‌های

خبری را داشته و از مسائل کلیدی دیگر حوزه ها ازجمله مسائل اجتماعی و فرهنگی به شدت غفلت شده است.

نتایج این جستجو تأیید می کند که یکی از مسائل اساسی ما در برخورد با مشکلات مرزنشینان رهایی از این رویکردها و نگاه های رایج و مرسوم به موضوع است. تأکید بر ابعاد امنیتی مناطق مرزی به امنیتی سازی فضا و ایجاد دیگری (مرزنشینان) می انجامد؛ و تأکید بیش از حد بر یک عامل (اقتصادی) چه در بررسی مسائل آن و چه به عنوان راهکار برون رفت از وضعیت توسعه نیافته ی ساکنین این مناطق موجب می شود که از مسائل اساسی دیگر ابعاد حیات اجتماعی و زیست جمعی و اثرات آن بر ایجاد این مسائل و یا انتخاب آنها به عنوان راهکار غفلت. شود مسائل اقتصادی مرزنشینان از اهمیت بالایی برخوردار است اما تأکید بیش از حد بر این مسائل و غفلت از مسائل اساسی حوزه های اجتماعی فرهنگی و سیاسی مانند مهاجرت وضعیت بهداشتی و آموزشی نامساعد، اقلیت بودگی فرهنگی و یا عدم مشارکت سیاسی در اداره امور منطقه نه تنها مشکلی را حل نمی کند، بلکه به باز تولید وضعیت کنونی می انجامد.

اما به منظور تبیین دقیق تر وضعیت اقتصادی استان های مرزی، یا به عبارت دیگر بررسی نتایج سیاست ها و برنامه های دولت مرکزی نسبت به استان های مرزی در مقوله ی اقتصادی و پیامدها و اثرات وضعیت اقتصادی بر مسائل اجتماعی به شاخص نرخ بیکاری در این مناطق جغرافیایی می پردازیم. در طول سال های مختلف، استان های مختلفی جزو بالاترین نرخ بیکاری کشور بوده اند که در بین آنها استان های مرزی کشور غالب بوده اند. جدول شماره ۳ نمونه ای از بالاترین نرخ بیکاری در سال های گذشته و وضعیت استان های مرزی در این سال ها است.

جدول 3. نرخ بیکاری در سه استان اول مرزی، 1391-1400

Table 3. Unemployment rate in the first three border provinces, 2012-2022

سال	استان	میانگین کشور	استان اول مرزی	استان دوم مرزی	استان سوم مرزی
1391		12.1	ایلام: 17.2	کرمانشاه: 16.1	گیلان: 15.5
1392		10.4	کرمانشاه: 14.6	ایلام: 13.8	کردستان: 13.6
1393		10.6	کرمانشاه: 15.7	خراسان شمالی: 14.2	گلستان: 12.4
1394		11	کرمانشاه: 17.6	کردستان: 13.3	خراسان رضوی: 13.3
1395		12.6	کرمانشاه: 25.1	کردستان: 16.3	اردبیل: 15.7
1396		12.1	کرمانشاه: 21.6	خوزستان: 14.7	آذربایجان غربی: 14.3
1397		12	کرمانشاه: 18.7	سیستان و بلوچستان: 16	خوزستان: 15.7
1398		10.6	کرمانشاه: 15.7	خوزستان: 14.5	کردستان: 14.4
1399		9.6	کرمانشاه: 14.9	هرمزگان: 13.5	آذربایجان غربی: 13.2
1400		9.2	هرمزگان: 15.8	کرمانشاه: 14.9	خوزستان: 12.6

منبع: Statistical Center of Iran, www.amar.org.ir

در جدول شماره 3، به سه استان اول مرزی از منظر نرخ بیکاری در چند سال اخیر پرداخته ایم. همان طور که مشاهده می شود اختلاف نرخ بیکاری استان های مرزی با میانگین کشوری بسیار بالا بوده است (البته در بعضی از سال ها، استان های



غیرمرزی بالاترین نرخ بیکاری را داشته اند، اما استان های مرزی غالباً در 5 استان با رتبه بالا در بیشترین نرخ بیکاری بوده اند). به منظور تبیین بهتر وضعیت اقتصادی و معیشتی استان های مرزی، به شرایط شهرستان های استان های مرزی می پردازیم.

جدول 4. نرخ بیکاری و رتبه شهرستان های استان های مرزی در کشور

Table 4. Unemployment rate and ranking of border provinces in the country

رتبه شهرستان	استان	نرخ	نوع شهرستان	رتبه شهرستان	استان	نرخ	نوع شهرستان
۱- اسلام آباد غرب	کرمانشاه	38.6		۱۳- سردشت	آذربایجان غربی	23	مرزی
۲- ثلاث باباجانی	کرمانشاه	36.2	مرزی	۱۴- مسجد سلیمان	خوزستان	22.7	
۳- جوانرود	کرمانشاه	32.6	مرزی	۱۵- خلخال	اردبیل	22.4	
۴- روانسر	کرمانشاه	31.5		۱۷- هفتگل	خوزستان	21.5	
۵- هرسین	کرمانشاه	29.7		۱۸- لالی	خوزستان	21.4	
۶- مریوان	کردستان	28.6	مرزی	۱۸- گمیشان	گلستان	21.4	مرزی
۷- پاوه	کرمانشاه	28.2	مرزی	۹- سر پل ذهاب	کرمانشاه	21.3	مرزی
۹- گیلانغرب	کرمانشاه	25.8		۲۰- ملکان	آذربایجان شرقی	21.2	
۱۱- هشتروند	آذربایجان شرقی	24.3		۲۱- میانه	آذربایجان شرقی	21.1	
۱۲، کرمانشاه	کرمانشاه	24.1		۲۲- دیلم	بوشهر	20.4	مرزی

منبع: Report of Literacy and illiteracy ranking of the country's provinces (2020)

همان طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود، شهرستان های استان های مرزینشین بالاترین نرخ بیکاری را در کشور دارند. به طوری که در ۲۲ شهرستان اول کشور از این منظر، ۲۰ شهرستان در استان های مرزینشین قرار دارند و از این تعداد نیز ۸ شهرستان یعنی ۴۰ درصد از ۲۰ شهرستان با نرخ بیکاری بالا در مرز قرار داشته و شهر مرزی محسوب می شوند نکته ای که باید به آن توجه کرد یکپارچگی واقعیت اجتماعی است. پدیده های اجتماعی تحت تأثیر تنها یک عامل ایجاد نمی شوند و در واقعیت، برهم کنش و اثرگذاری حوزه های تحلیلی بر یکدیگر پدیده های اجتماعی را شکل می دهند. در این موضوع نیز، وضعیت نامناسب اقتصادی استان های مرزینشین، به خصوص شهرهای مرزی که نمود آن نرخ بیکاری بالای آنها است بر پدیدآوری مسائل اجتماعی اثرگذار است. یکی از مهمترین مسائل اجتماعی گسترش فقر است. در ادامه به وضعیت فقر در استان های مرزی می پردازیم.

در رویکردهای جدیدتر سنجش فقر به جای رهیافت درآمد محور، رویکرد قابلیت های انسانی مطرح شده است. درواقع به جای سنجش فقر با درآمد و حتی شکل توزیع آن به مواردی مانند بی سوادی، سوء تغذیه، مرگومیر کودکان و... توجه شده است. تحت تأثیر دیدگاه آمارتیا سن و با بیان مفهوم قابلیت، دیدگاه های توسعه و رفاه از درآمد محوری به انسان محوری یا همان قابلیت محوری سوق داده شد. قابلیت به این معنا است که افراد واقعاً قادر به انجام دادن آن هستند یا خیر یعنی امکان های مختلفی

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخششی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۵۲۵۰۶ داخلی ۲۲۶ و ۲۲۳



برای انتخاب داشته باشند؛ بنابراین قابلیت‌های فراروی از فقر تنها با میزان درآمد قابل‌سنجش نیست و مواردی مانند سواد، سلامتی تغذیه مناسب و... بر قابلیت افراد اثرگذار است (Khalaj & Yousefi, 2014: 50-51). طبق همین دیدگاه به بررسی استان‌های کشور با رویکرد قابلیت محور و با بررسی سه مؤلفه سلامتی، آموزش و استاندارد زندگی پرداخته ایم. فقر از دو بعد میزان و شدت تشکیل شده است که فقر چندبعدی حاصل ضرب میزان و شدت فقر است. جدول شماره ۵ نسبت سرشمار تعدیل شده استان‌های کشور را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نسبت سرشمار تعدیل شده در استان‌های کشور ۱۳۸۵.

Table 5. Adjusted census ratio in the provinces of the country, 2007

استان	فقر	استان	فقر	استان	فقر
تهران	0.015	سمنان	0.031	مرکزی	0.042
مازندران	0.017	آذربایجان شرقی	0.032	زنجان	0.042
بوشهر	0.021	کرمانشاه	0.035	آذربایجان غربی	0.043
قزوین	0.024	خوزستان	0.036	کهگیلویه و بویراحمد	0.044
قم	0.024	گیلان	0.037	کردستان	0.045
گلستان	0.025	خراسان رضوی	0.038	خراسان شمالی	0.054
اصفهان	0.028	لرستان	0.039	هرمزگان	0.065
فارس	0.029	اردبیل	0.039	خراسان جنوبی	0.073
ایلام	0.029	چهارمحال و بختیاری	0.040	کرمان	0.081
همدان	0.030	یزد	0.040	سیستان و بلوچستان	0.141
میانگین استان‌های مرزی: 0.054			میانگین استان‌های غیرمرزی: 0.036		

منبع: Khalaj and Yousefi, 2014

همان‌گونه که بیان شد، نسبت سرشمار تعدیل شده از حاصل ضرب میزان و شدت فقر به دست می‌آید؛ بنابراین هر چه مقدار این شاخص بیشتر باشد، نشان‌دهنده گستردگی فقر هم از نظر تعداد فقیران و هم از نظر شدت محرومیت آنها است. اکثریت استان‌های مرزی کشور دارای بالاترین میزان شاخص فقر هستند. با مقایسه‌ی بین میانگین استان‌های مرزی و غیر مرزی این تفاوت بیشتر نمایان می‌شود. میانگین این نسبت در استان‌های مرزی ۰۰۰۵۴ و برای استان‌های غیر مرزی ۰۰۰۳۶ است؛ یعنی میانگین استان‌های مرزی ۱۰۵ برابر فقیرتر از استان‌های غیر مرزی هستند. علاوه بر وجود و گسترش فقر در استان‌های مرزی این استان‌ها تحت تأثیر این مسائل اقتصادی با مشکلات عدیده‌ی اجتماعی دیگر از جمله مهاجرت مواجه شده‌اند. در ادامه به وضعیت مهاجرتی این مناطق می‌پردازیم.

مهاجرت از استان‌های مرزی و به‌خصوص مناطق مرزی و خالی شدن این مناطق از سکنه موجب معضلات متعدد اجتماعی مثل تفاوت فرهنگی مبدأ و مقصد، طرد اجتماعی در مبدأ، حاشیه‌نشینی تبعیض در مقصد و... می‌شود. یکی از پیامدهای اصلی مهاجرت از مناطق مرزی، خالی شدن این مناطق از سکنه است که متعاقب آن کنترل امنیت این مناطق چه امنیت نظامی و چه جلوگیری از قاچاق کالا و... به شدت برای سیستم مرکزی دشوار می‌شود. نمودار زیر روندهای مهاجرتی استان‌های مرزی را نشان می‌دهد. روندهای ده‌ساله مهاجرت را در جدول زیر مشاهده می‌کنیم.



شکل 1. نمونه‌ای از موازنه مهاجرتی استان‌های مرزی، در دو دوره 85-90 و 90-95

Fig 1. An example of the migration balance of the border provinces, in two periods: 2007-2012 and 2012-2017

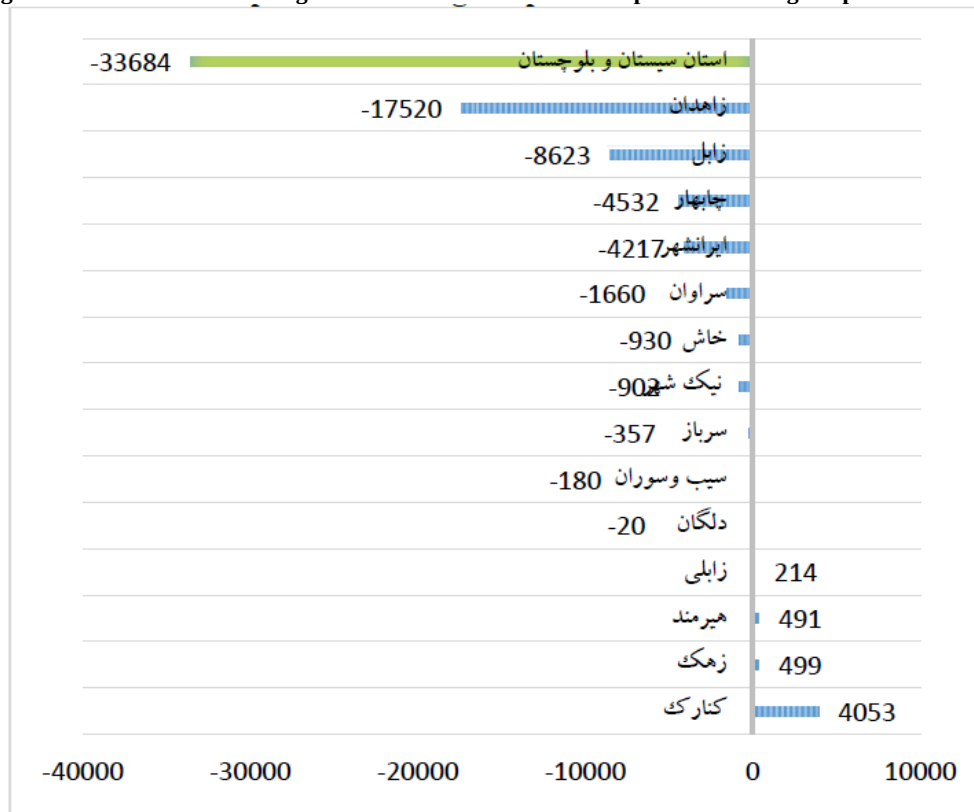


منبع: Statistical Center of Iran, Population and Housing Censuses 2017 and 2012

همان‌طور که در نمودار بالا مشاهده می‌شود، ۹ استان مرزی از ۱۶ استان مرزی کشور در هر دو دوره یعنی به مدت ده سال موازنه مهاجرتی منفی داشته و مهاجرین خارج شده از استان بیشتر از مهاجرین وارد شده بوده و سه استان نیز حداقل در یک دوره‌ی زمانی بررسی‌شده دارای مهاجرت معکوس بوده است. با توجه به اینکه اکثریت استان‌های غیر مرزی موازنه مهاجرتی مثبت دارند (۸ استان غیر مرزی موازنه مهاجرتی مثبت دارند) و بیشتر مهاجرت‌های معکوس از مناطق و استان‌های مرزی صورت می‌گیرد، این آمار مؤید وضعیت نابسامان استان‌های مرزی چه به لحاظ اقتصادی و چه از منظر مسائل اجتماعی است. به‌منظور توصیف بهتر وضعیت مهاجرتی استان‌های مرزی، آمار استان سیستان و بلوچستان را به‌طور دقیق‌تر بررسی می‌کنیم. همان‌گونه که در نمودار شماره ۲ مشخص است، از حاصل موازنه مهاجرتی کل استان، تعداد ۲۸۵۴۵ - نفر حاصل موازنه مهاجرتی شهرستان‌های مرزنشین است؛ به عبارت دیگر اکثریت خروج مهاجرین یعنی ۸۵ درصد از حاصل موازنه مهاجرتی استان، یعنی کسانی که از استان مهاجرت کرده‌اند، از شهرستان‌های مرزنشین صورت گرفته است.



شکل ۲. تعداد خالص مهاجران استان سیستان و بلوچستان طی دوره ۹۰-۱۳۸۵
Fig 2: The net number of immigrants in Sistan and Baluchistan province during the period 2007-2012

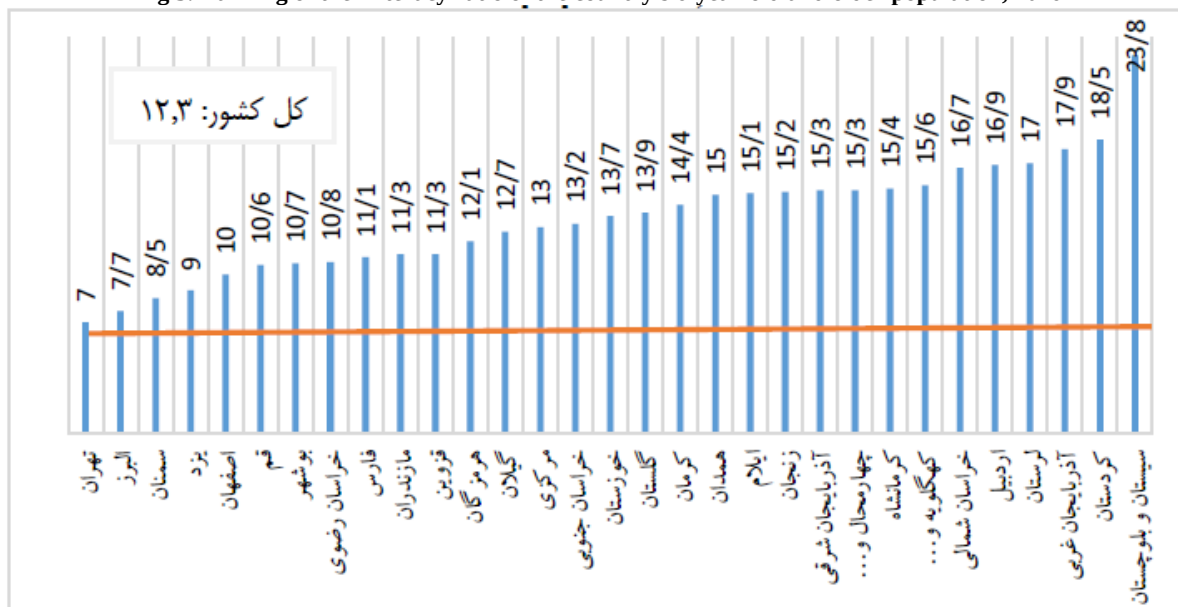


منبع : Statistical Yearbook of the country (2016), Statistics Center of Iran

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، نرخ بالای بیکاری و وضعیت معیشتی و اقتصادی نامناسب استان‌های مرزی به‌طور مستقیم بر مسائل اجتماعی اثرگذار است. یکی از پیامدهای جدی آن نیز مهاجرت بالای استان‌ها و مناطق مرزی به سمت مرکز کشور است از دیگر عوامل تشدیدکننده وضعیت نابسامان مناطق مرزی کمبود امکانات و منابع ضروری زندگی است. درواقع، از پیامدهای سیاست‌های کلان یعنی دیگری سازی از استان‌های مرزی، کمبود امکانات خدماتی - رفاهی در این مناطق است. همین ضعف منابع و امکانات نیز بر تشدید مسائل اجتماعی استان ازجمله مهاجرت نیز اثرگذار است در ادامه وضعیت خدمات آموزشی و بهداشتی مناطق و استان‌های مرزی را به عنوان یکی از شاخص‌های رفاهی ضروری و حداقلی زندگی بررسی می‌کنیم نسبت جمعیت بی‌سواد به جمعیت کل، یکی از شاخص‌های مهم در زمینه آموزش آسیب‌های اجتماعی، دستیابی به رفاه و توسعه است. ازاین‌رو در مجموعه شاخص‌های توسعه‌ی هزاره نیز از شاخص‌های کلیدی محسوب می‌شود. بر این اساس مطابق با توصیه‌های بین‌المللی نسبت افراد بی‌سواد ۶ ساله و بیشتر (یا باسواد ۶ ساله و بیشتر) به کل جمعیت ۶ ساله و بیشتر جهت محاسبه نرخ بی‌سوادی (یا نرخ باسوادی) به کار می‌رود.

شکل 3. رتبه بندی نسبت بی سوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور ۱۳۹۵

Fig 3. Ranking of the illiteracy ratio of the country's 6-year-old and older population, 2016



منبع : Report of Literacy and illiteracy ranking of the country's provinces (2020)

همان گونه که در نمودار بالا به وضوح مشخص است، وضعیت سواد عمومی در استان های مرزی نسبت به میانگین کشور و دیگر استان ها به مراتب نامناسب تر است. از ۱۹ استان که نرخ بی سوادی آنها از میانگین کشوری بالاتر است، ۱۲ استان جزو استان های مرزی محسوب می شوند؛ به عبارت دیگر، ۱۲ استان از ۱۶ استان مرزی (۷۵ درصد) نرخ بی سوادی بالاتر از میانگین کشوری دارند. این آمار مؤید وضعیت نامناسب امکانات و منابع آموزشی در این استان ها است که حتی در آموزش و گسترش سواد عمومی نیز به شدت مشکل دارند.

اما اگر همین آمار را نسبت به تفکیک جنسی بازآرایی کنیم، مشاهده می کنیم که در سوادآموزی وضعیت زنان نسبت به مردان به مراتب وخیم تر است. در تمام این استان های مرزی که نرخ بی سوادی در آن بالاتر از میانگین نرخ کشوری است، نرخ بی سوادی در زنان تقریباً دو برابر مردان است. در واقع وضعیت قشر زنان در استان های مرزی به مراتب از دیگر اقشار وخیم تر است. به منظور بررسی مسائل اجتماعی این مناطق و شناسایی گروه های آسیب دیده و یا در معرض آسیب، زنان از اولویت بالاتری برخوردار هستند. قشری که هم در تحمل رنج مسائلی چون فقر، مهاجرت، مسائل محیط زیستی و... با دیگر اقشار سهیم است و هم در برخورداری از منابع و امکانات آموزشی و بهداشتی نسبت به دیگر گروه ها وضعیت نامناسبتری دارد.



جدول ۶. نرخ بی‌سوادی استان‌های مرزی بالاتر از میانگین به تفکیک مرد و زن
Table 6. The illiteracy rate of the border provinces is higher than the average by males and females

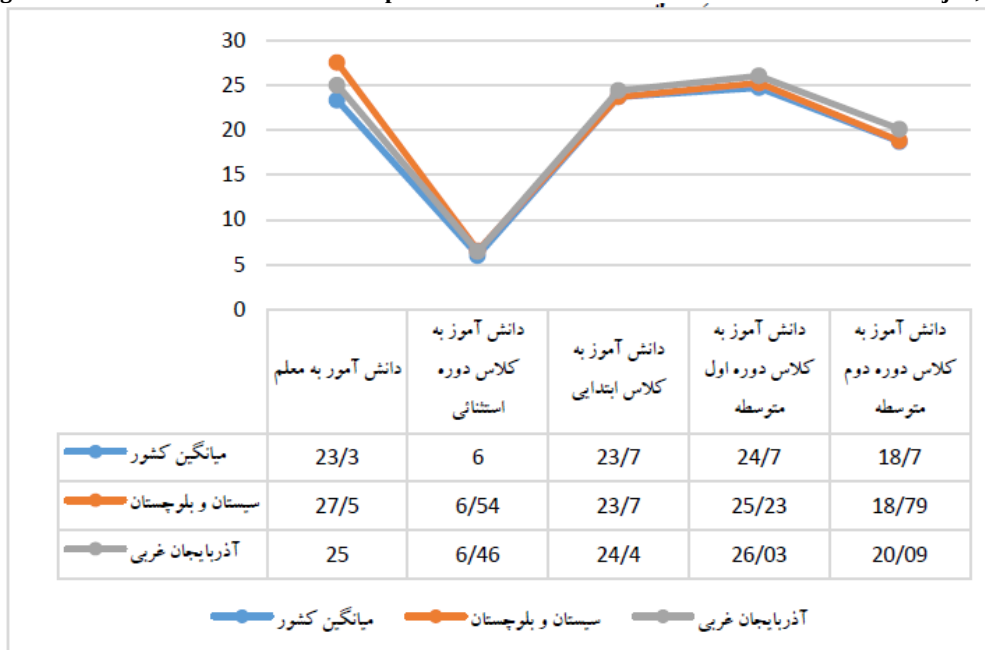
استان	کل	مرد	زن
کشور	12.3	8.9	15.8
گیلان	12.7	8.9	16.4
خراسان جنوبی	13.2	9.5	16.9
خوزستان	13.7	9.9	17.5
گلستان	13.9	9.4	18.4
ایلام	15.1	10.8	19.4
آذربایجان شرقی	15.3	10.6	20.1
کرمانشاه	15.4	10.6	20.4
خراسان شمالی	16.7	12.1	21.3
اردبیل	16.9	11.2	22.9

استان	کل	مرد	زن
آذربایجان غربی	17.9	11.7	24.3
کردستان	18.5	12.1	25
سیستان و بلوچستان	23.8	18.7	29.1

منبع : Report of Literacy and illiteracy ranking of the country's provinces (2020)

به‌منظور بررسی وضعیت دقیق‌تر امکانات آموزشی استان‌های مرزی، استان سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی از دو نقطه‌ی جغرافیایی مقابل هم بررسی می‌شود. در سال 1395 میانگین کشوری دانش‌آموز به معلم (در تمام دوره‌های تحصیلی) 23.3 نفر است که همین شاخص برای آذربایجان غربی 25 و در استان سیستان و بلوچستان 27.5 نفر است. همان‌گونه که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، استان‌های سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی در تمامی شاخص‌ها که نشانگر امکانات و فضای آموزشی است، از میانگین کشوری وضعیت نامناسب‌تری دارند.

شکل 4. شاخص های آموزشی دو استان سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی، 1395
Figure 4. Educational indicators of two provinces of Sistan and Baluchistan and West Azarbaijan, 2016



منبع: Statistical Yearbook of the country (2016), Statistics Center of Iran

در این شاخص ها به نسبت تعداد دانش آموز به کلاس های درس پرداخته شد، علاوه بر آمارهای کمی باید به کیفیت این کلاس ها و مدارس نیز توجه کرد. به طور مثال در استان سیستان و بلوچستان به اذعان مدیرکل نوسازی این استان از مجموع ۱۸ هزار و ۹۵۴ کلاس درس استان، بیش از ۱۰ هزار کلاس درس نیازمند تخریب، بازسازی و مقاوم سازی بودند، حدود ۱۵۰ کلاس کپری در این استان شناسایی شده و حداقل ۲۰ درصد از کلاس های استان چندپایه هستند (ISNA, 2017). یا به گفته معاون پژوهشی آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی این استان نیازمند ۵ هزار کلاس درس است تا به استاندارد کشوری دست یابد (IRNA, 2016).

نباید فراموش کنیم که آمار موجود مربوط به کودکانی است که امکان تحصیل داشتند، در صورتی که علاوه بر این آمار، باید تعداد کودکان بازمانده از تحصیل را نیز بر شرایط نامساعد آموزشی استان های مرزی اضافه کرد به طور مثال در استان سیستان و بلوچستان به اذعان نماینده این استان در مجلس شورای اسلامی تخمین تعداد افراد بین ۶ تا ۱۸ سال که از تحصیل بازمانده اند نزدیک به ۱۱۹ هزار نفر است. آمار بالای این کودکان با توجه به جمعیت ۶۲۱ هزار نفری کنونی دانش آموز در این استان نشان می دهد که بالغ بر ۱۶ درصد از جمعیت در سن تحصیل در این استان از تحصیل محروم هستند (Khane 2016, Mellat News Agency) در بخش بعدی به شاخص های بهداشتی و وضعیت توزیع منابع و امکانات بهداشتی و درمانی در مناطق مرزی می پردازیم.

وضعیت بهداشتی و درمانی از دیگر شاخص های توسعه است که نشان دهنده وضعیت امکانات لازم برای زندگی حداقلی است. نمودار زیر شاخص نسبت پزشک به صد هزار نفر را در استان هایی که پایین تر از میانگین کشور (۵۸، ۶) قرار دارند نشان می دهد. همان طور که هویدا است ۶ استان از استان های مرزی از وضعیت نامناسبی در این شاخص برخوردار هستند.



دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق، شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری حقوقی پزشکی فرا روی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION &
IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



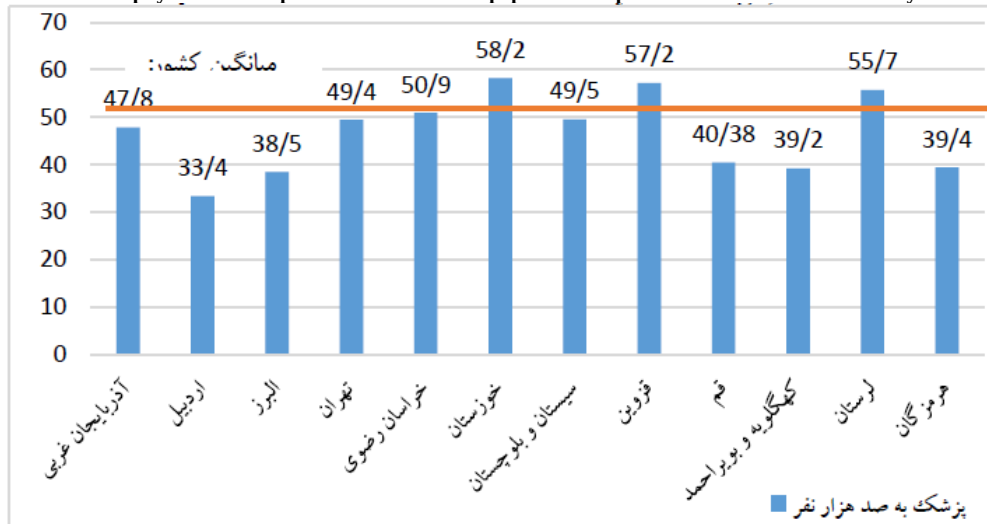
آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشس، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶-۹ داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳

<https://hamayesh.maragheh.iau.ir/salamat1402>

شکل 5: وضعیت شاخص پزشک به صد هزار جمعیت در استان های پایینتر از میانگین کشور، 1395
Figure 5: Status of physician index per hundred thousand population in provinces lower than the country's average, 2016

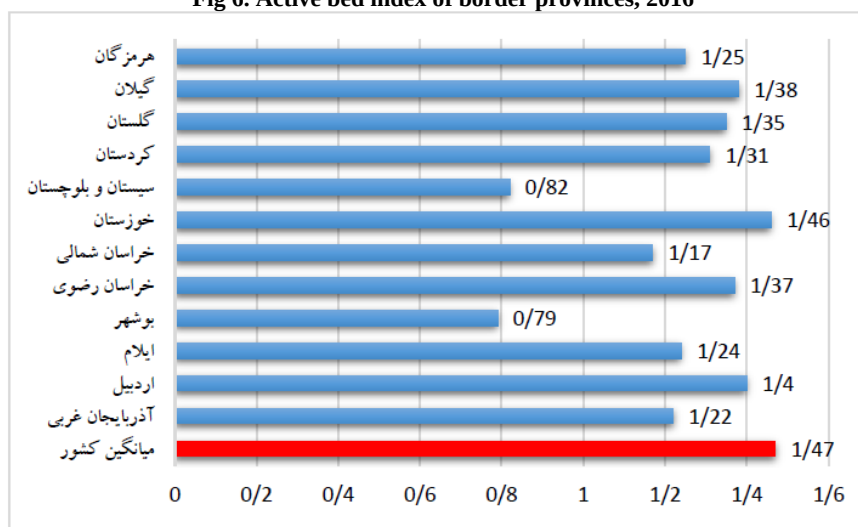


منبع: Statistical Yearbook of the country (2016), Statistics Center of Iran

شاخص بعدی در بررسی فضا و امکانات بهداشتی و درمانی تعداد تخت فعال بیمارستانی است این شاخص نشان دهنده این است که به ازای هر هزار نفر جمعیت چه تعدادی تخت فعال وجود دارد همان گونه که در نمودار شماره 6 مشاهده می شود، 12 استان مرزی کشور یعنی حدود 80 درصد از استان های مرزی شاخص تخت فعال بیمارستانی آنها از میانگین کشوری کمتر است. این شاخص برای استان هایی همچون سیستان و بلوچستان و بوشهر تقریباً نیمی از میانگین کشور است کمبود تعداد تخت های فعال بیمارستانی نشان از محرومیت این استان ها از شاخص های سلامت، بهداشت و درمان دارد. همین مسئله خود موجب بسیاری از معضلات دیگر از جمله مرگ و میر بیشتر، مهاجرت و ... می شود.

شکل 6. اندکس تخت فعال استان های مرزی، 1395

Fig 6. Active bed index of border provinces, 2016



منبع: Statistical Yearbook of the country (2016), Statistics Center of Iran

در پژوهشی که در سال 1396 به بررسی شاخص های بهداشتی و درمانی استان های کشور پرداخته و در مجله بهداشت و توسعه منتشر شده است، استان های کشور را بر اساس



21 شاخص بهداشتی - درمانی با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره نظیر روش وزن دهی آنتروپی و تاپسی مورد بررسی و سطح‌بندی قرار داده است. حاصل بررسی استان‌های کشور از این منظر در جدول زیر مشاهده می‌شود طبق این بررسی در بین 15 استان آخر کشور از منظر شاخص‌های بهداشتی و درمانی، 10 استان مرزی قرار دارد؛ به عبارت دیگر، 63 درصد از استان‌های مرزی وضعیت توسعه‌ای مناسبی در این حوزه ندارند، به طوری‌که حتی شاخص بهداشتی و درمانی اغلب آنها به نیمی از استان‌های برخوردار هم نمی‌رسد.

جدول 7. ضریب توسعه شاخص‌های بهداشتی و درمانی و رتبه‌بندی استان‌های کشور
Table 7. Development coefficient of health and treatment indicators and ranking of the country's provinces

رتبه نهایی	ضریب توسعه	استان	رتبه نهایی	ضریب توسعه	استان
17	0.315	آذربایجان شرقی	1	0.569	گیلان
18	0.312	قزوین	2	0.541	سمنان
19	0.312	خراسان رضوی	3	0.531	یزد
20	0.312	مرکزی	4	0.467	کهگیلویه و بویر احمد
21	0.303	هرمزگان	5	0.457	مازندران
22	0.296	خراسان شمالی	6	0.414	چهارمحال و بختیاری
23	0.295	اردبیل	7	0.390	ایلام
24	0.294	البرز	8	0.362	اصفهان
25	0.283	لرستان	9	0.359	خراسان جنوبی
26	0.272	کرمان	10	0.354	زنجان
27	0.270	آذربایجان غربی	11	0.351	همدان
28	0.262	کردستان	12	0.343	بوشهر
29	0.257	کرمانشاه	13	0.338	تهران
30	0.247	خوزستان	14	0.336	فارس
31	0.231	سیستان و بلوچستان	15	0.326	گلستان
			16	0.316	قم

منبع: Yazdani, Mohammad Hassan and Faramarz Montazer (2017)

بررسی وضعیت و مسائل اجتماعی استان‌های مرزی و مناطق مرزن‌نشین نشان می‌دهد که این مناطق تحت تأثیر جغرافیای خود (دوری از مرکز) و تفاوت‌هایی که در فرهنگ، مذهب و قومیت آنها نسبت به مرکز وجود داشته وضعیت متفاوتی از مرکز و استان‌های توسعه‌یافته را تجربه می‌کنند. همان‌طور که بالاتر ذکر شد، این مناطق تحت تأثیر سیاست‌ها و رویکردهایی که به آنها اشاره شده است، با مسائل عدیده‌ی اقتصادی و اجتماعی که بر یکدیگر اثرگذار بوده، روبه‌رو هستند نرخ بیکاری بالای این استان‌ها و مشارکت اقتصادی پایین آنها (در استان‌هایی که مشارکت اقتصادی بالا است، بیشتر تحت تأثیر تعداد بالای بیکاران است و نه شاغلین) نشان از وضعیت اقتصادی و معیشتی نامناسب آنها دارد همان‌طور که دیدیم این عوامل مسائل اجتماعی مهمی چون فقر گسترده، مهاجرت، بی‌سوادی، کمبود امکانات و منابع بهداشتی و درمانی، وضعیت آموزشی نامساعد و وضعیت رفاهی - خدماتی ضعیفی را به وجود آورده است. وجود پایدار این مسائل عمده‌ی اجتماعی و اقتصادی نشان از عدم موفقیت



سیاست‌های فعلی برخورد با استان‌های مرزی دارد و لزوم بازنگری و تغییر آنها را گوشزد می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مبانی نظری گفته شد رویکرد تهدید محور به استان‌های مرزی (به سبب وجود مرز در این مناطق)، نگاه نظامی به امنیت و همچنین نگرش دیگری سازی مرکز تحت تأثیر تفاوت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی حاشیه‌های کشور از عوامل اصلی وضعیت فعلی این مناطق است؛ به عبارت دیگر، این رویکردها و پارادایم‌های کلان ترسیم‌کننده سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی در این مناطق است باز نمود این سیاست‌ها، برنامه‌ها و نحوه توزیع امکانات را ما در بروز و گسترش مسائل اجتماعی یاد شده (فقر، مهاجرت و...) مشاهده می‌کنیم.

به‌طور مثال در بررسی نگاه تک‌بعدی و تنها نظامی به امنیت مرزی، توجه به پژوهش انجام‌شده در مورد اثرات احداث دیوار مرزی در استان سیستان و بلوچستان مفید خواهد بود. طبق پژوهشی که به تحلیل اثرات اقتصادی و اجتماعی احداث دیوار مرزی در سال ۹۳ انجام‌شده است، فعالیت‌های اقتصادی، معیشتی و درآمد مرزنشینان کاهش‌یافته، درزمینه‌ی اثرات اجتماعی تمایل به مهاجرت افزایش بعد از احداث دیوار و بسته شدن مرز ۷ هزار خانوار سیستانی مهاجرت کرده‌اند و میزان اوقات فراغت (مسافرت، مهمانی و...) مرزنشینان کاهش‌یافته است تنها اثر مثبت احداث این دیوار کمی کاهش قاچاق سوخت و مواد مخدر بوده است (Mir Lotfi, 2014: 109-112). در صورتی‌که امروزه نگاه امنیتی و نظامی صرف به مرزها دیگر پاسخگو نیست و علاوه بر این‌که باعث می‌شود از پتانسیل‌ها و فرصت‌های مناطق مرزی استفاده نشود، موجب بروز مسائل و مشکلات عدیده‌ای نیز می‌شود. پژوهش‌هایی که به‌طور پدیدار شناختی به تجربه زیسته مرزنشینان و نگاه آنها به رویکردهای مرکز صورت گرفته است، مؤید وجود احساس قوی دیگر بودگی و تبعیض‌یافتگی در بین مردم این مناطق است. این پژوهش‌ها (Zokaei & Aram, 2014) تأیید می‌کنند که مردم این مناطق در تلاش برای فهم مشکلات و سختی‌های زندگیشان معنای جدیدی را به آنها می‌دهند و از این طریق روابطی را بین خود و دیگران شکل می‌دهند که در نهایت مرزهای هویت قومی آنها را بازنمایی می‌کنند در چنین شرایطی مشکلات و سختی‌ها به عنوان ابزاری برای بیان متفاوت بودن خود از دیگری به‌کاربرده می‌شوند و چنین توجیه می‌شود که دلیل این مشکلات همین تفاوت‌هایی است که با دیگران دارند و فرض بر این است که از آنجایی‌که ما «اقلیت هستیم»، «به لحاظ فرهنگی متفاوت هستیم»، «با ساکنان آن‌سوی مرز فرهنگمان مشترک است» وضعیتمان بدین گونه شده است. این امر باعث ایجاد احساس دیگر بودگی در بین مردم این مناطق شده است درمجموع مردم مرزنشین چنین تصور می‌کنند که این تبعیض و نابرابری‌ها نتیجه زبان و فرهنگ آنهاست که از دیگران متفاوت است؛ بنابراین چالش‌های زندگی مرزنشینی در زندگی روزمره دچار استحاله و دگرگونی و معنای جدیدی کسب می‌کنند. چالش‌ها و محرومیت‌ها با وارد شدن عواملی همچون فرهنگ و زبان به عنوان تهدیدی علیه اجتماعات مرزی در نظر گرفته می‌شوند.

در حقیقت ساکنان مناطق مرزی به مقایسه وضعیت زندگی خود نه‌تنها برای بیان کمبودهای زندگیشان پرداخته، بلکه از طریق یک چنین مقایسه‌هایی متفاوت بودنشان را از دیگران بیان می‌کنند. شکل‌گیری روابط «ما-آنها» موجب می‌شود آنها ویژگی‌های اجتماع خودشان را از طریق همین مرزبندی بازنمایی کنند ساکنان این مناطق تحت تأثیر رویکرد دیگری



سازی مرکز خود نیز به این نگاه دامن زده و با مقایسه‌ی دائم خود با استان‌های توسعه‌یافته مرکزی و وضعیت رفاهی و خدماتی ساکنان آن‌طرف مرز علت عقبماندگی خود را همین نگاه دیگر ساز مرکز می‌دانند؛ به عبارت دیگر ما شاهد درونی شدن و بازتولید این نگاه دیگر بودگی در مناطق حاشیه‌ای هستیم. ادامه‌ی این رویکرد و 36 یت و باز تولید آن چه از طرف مرکز و چه نقاط حاشیه‌ای به رادیکالیزه شدن وضعیت و تقابل بیشتر حاشیه با مرکز منجر خواهد شد؛ بنابراین تجدیدنظر اساسی در رویکرد کلی به مقوله مرز ضروری است.

در بررسی عوامل اثرگذار بر امنیت مرز و مناطق مرزی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته که نگاه نظامی به مرز را نقض کرده و به تأثیر تقویت توانمندی‌های اقتصادی و اجتماعی مرزنشینان بر حفظ امنیت نقاط مرزی تأکید دارد. در این پژوهش‌ها بیشتر به نقش رونق اقتصادی، اشتغال و گسترش بازارچه‌های مرزی در حضور و عدم مهاجرت مرزنشینان از این مناطق و در نتیجه گسترش امنیت توجه شده است توجه به رونق اقتصادی و وضعیت معیشتی مرزنشینان یکی از راهکارهای اصلی حفظ جمعیت، همکاری بیشتر مردم برای حفظ امنیت و گسترش امکانات رفاهی و خدماتی است.

البته نباید فراموش کرد که در پیشنهاد سیاست‌های جایگزین نیز از نگاه تک عاملی و تأکید بر یک عامل پرهیز کرد نقش عوامل اقتصادی چه به اذعان مردم این مناطق و چه از نگاه نظری بر کاهش مسائل اجتماعی و بهبود شرایط زندگی ساکنان این مناطق انکار ناشدنی است اما باید هم‌زمان به دیگر ابعاد لازم توسعه‌ی این مناطق نیز توجه کرد. در حقیقت در کنار توجه به اقتصاد مرزی باید هم‌زمان به توانمندی‌های درونی مناطق، روستاها و شهرهای مرزنشین چون توجه به اقتصاد کشاورزی گسترش خدمات رفاهی آموزشی و بهداشتی گسترش قابلیت‌های فردی مردم این مناطق نیز موردتوجه قرار بگیرد. نقش دولت در تغییر رویکرد رایج به استان‌های مرزی و اتخاذ برنامه‌های مدون در بحث توسعه‌ی این مناطق انکار ناشدنی است. سیاست‌های پیشنهادی در قالب جدول شماره ۸ جمع‌بندی شده است.

جدول ۸. سیاست‌ها و راهکارهای پیشنهادی

Table 8. Suggested policies and solutions

سیاست‌ها و برنامه‌های پیشنهادی	سطوح و ابعاد
1- تغییر رویکرد تهدید محور به رویکرد تلفیقی به مرز 2- تغییر رویکرد نظامی به امنیت، توجه به ابعاد اجتماعی و اقتصادی امنیت 3- تأکید بر مشارکت مرزنشینان و ایجاد لوازم مشارکت آنها در حفظ امنیت	پرا دایمی و رویکردی
1- تأکید بر توسعه اجتماعی مناطق مرزی 2- گسترش امکانات و منابع آموزشی 3- تجهیز و گسترش امکانات بهداشتی و درمانی 4- بهره‌گیری از توان قبایل و طوایف مرزنشین جهت مدیریت و رفع بحران‌های قومی - مذهبی 5- رعایت حقوق شهروندی و توجه و احترام به آداب و رسوم و عقاید مذهبی مرزنشینان 6- نهادسازی و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد با کار کرد اجتماعی و فرهنگی	اجتماعی



دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری حقوقی پزشکی فراروی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



اقتصادی	1- توسعه و گسترش بازارچه مرزی و همچنین اولویت دادن حق تجارت با روستاییان 2- اجازه تبادل کالاهای مشخص به روستاییان حاشیه مرز جهت افزایش درآمد و جلوگیری از مهاجرت 3- گسترش تعاونی های مرزن نشینی و شفاف سازی قوانین مربوط به آن 4- آموزش روش های تجارت و آشنایی با مقررات صادرات و واردات به جمعیت ساکن در منطقه 5- توجه به اقتصاد سنتی (کشاورزی) منطقه و رفع معضلات آن
---------	--



References

- Abbaszadeh, M, (2011), the East Construction of the Narrative of the Creation of the "Other" through Representation, *Political and International Approaches*, No. 25, spring. [In Persian]
- Andalib, A (2001), *Basic Theory and Principles of Management of Border Areas of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Faculty of Command and Staff. [In Persian]
- Aslani, A et al (2015), investigating the factors and areas affecting the growth of the tendency to smuggle goods from the point of view of border dwellers (case study of Baneh city). *Research Journal of Border Studies*, 3(1), 55-23.
- Aslani, Ebrahim et al. (2014), Border Markets and Security of Political Borders (Case Study: Jolfa Border Bazaar), *Journal of Border Science and Technology*, No. 8, pp. 29-64. [In Persian]
- Blatter, J (2004) from 'spaces of place' to 'spaces of flows'? Territorial and functional Governance in Cross Border Regions in Europe and North America. *International Journal of Urban and Regional Research*, (28) 3, pp.530-545
- Eagleton, T (1983), *An Introduction to Literary Theory*, Translated into Persian by Abbas Mokhber, Tehran: Markaz Publishing.
- Fotuhi, Sardar, & Fazli. (2019). The lived experiences of the border residents of Nodshe city from the phenomenon of the border. *Iranian Cultural Research Quarterly*, 12(2), 133-152
- Foucault, M (1969). *The Archaeology of Knowledge*. London and New York: Routledge, 2002. ISBN 0-415-28752-9.
- Foucault, M (1995) *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*, translated into Persian by Niko Sarkhosh and Afshin Jahandideh, Tehran: Ghazal.
- Foucault, M. (2006). *History of Madness*, translated into Persian by Fatemeh Valiani, Tehran: Hermes.
- Ghadermazi, M and et al (2019), *Evaluation of effective components in the stability of security in border areas*.
- Heidari S, Vakil and Sharareh Saeb (2016), Factors Affecting Border Security from the Perspective of Local Residents (Case Study of Garmsi County), *Journal of Border Science and Technology*, No. 19, pp. 1-25. [In Persian]
- IRNA News Agency (2016), the news of increasing 429 classrooms to schools in West Azerbaijan on 10/23/2017, www.irna.ir
- ISNA News Agency (2017), the news of Sistan and Baluchestan Bridge classes will be removed this summer, 05/04/2016, www.isna.ir
- Jumapour, Mahmoud and Ali Talebi (2012). Investigating the role of border dwellers' cooperatives in the development of South Khorasan border areas under study: border dwellers' cooperative of the city of Darmian. *Welfare Planning and Social Development*, 10(4), 65-102.
- Karimipour, Y (2000), *an Introduction to Iran and Its Neighbors (Sources of Tension and Threat)*, Tehran: University Jihad. [In Persian]
- Kazemi, R (2016), the Impact of Ethnic Management on Border Security (Case Study of Turkmen Ethnicities in Gonbad and Bandar-e-Turkmen Countries), *Quarterly Journal of Border Science and Technology*, No. 19, winter. [In Persian]
- Kerlinger, F (1997), *Foundations of behavioral research*, translated into Persian by Hassan Pasha Sharifi and Jafar Najafizand, Tehran: Avaye Noor Publication.
- Khalaj, S and Yousefi, A(2014), Zoning of Distribution and Intensity of Multidimensional Poverty in Urban and Rural Areas, *Journal of Spatial Planning and Management*, Volume 18, Number 4, pp. 49-70. [In Persian]
- Khane Mellat News Agency (2016), News of 120,000 people deprived of education in Sistan and Baluchestan / Development credits will not be allocated on 05/17/2016, www.icana.ir
- Khetabi, G (1995), *Control of the Frontier*, Tehran: NAJA Deputy of Education. [In Persian]
- Lotfi, H and Hossein M (2018), *The role of ethnic groups in the social and economic development of border areas*, a study in the southeast of Iran.
- Malek Hosseini, Mohammad Taghi et al. (2015), Assessing the level of social security among border residents of Golestan province and identifying ways to improve it, *Journal of Border Studies*, Third Year, First Issue, Spring. [In Persian]
- Mir Lotfi, Mahmoud Reza, Meysam Bandani and Mehdi Naderianfar (2014), Analysis of socio-economic effects of border wall construction on rural areas of Sistan, *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, No. 35, and pp. 95-116. [In Persian]



- Moraczewska, A (2010), the changing interpretation of border functions in international relations". *Revista Română de Geografie Politică*, Year XII, 2, pp. 329-340.
- Naimi, K and Wafa Mehdizad (2017). Investigating and measuring social trust among the border residents of Marivan city. *Research Journal of Border Studies*, 5(1), 13-33
- Nourbakhsh, Y (2008), Culture and Ethnicity, A Model for Cultural Communication in Iran, *Cultural Research Quarterly*, First Year, Issue 4, winter. [In Persian]
- Ramezani, F and Ghasemi, M (2021). Identification of factors hindering the economic development of border villages from the point of view of the border residents of the study area: Torbat Jam-Saleh Abad. *Political Geography Research*, 6(1), 1-23
- Saidipour and Mirzaei, S (2011), Border Cities and Social Issues, *National Conference on Border Cities and Security*; Challenges and approaches
- Peet, R and Elaine Hartwick (1999), *Development Theories*, Translated into Persian by Ismail Rahmanpour. Tehran: Loviyeh. Report of Expert commentary on the project: "Organizing border exchanges and presenting corrective proposals (2)" (2004), Parliamentary Research Center, www.rc.majlis.ir. [In Persian]
- Report of Iran Internal Migration Based on the 2011 General Population and Housing Census, Statistics Center of Iran www.amar.org.ir. [In Persian]
- Report of selected human resources indicators of the country's cities (2017), Statistics and Strategic Information Center, Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare, www.amarkar.ir
- Report of Literacy and illiteracy ranking of the country's provinces (2020) Statistics and Strategic Information Center, Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare, www.amarkar.ir. [In Persian]
- Rezapour, Z (2016) et al. "Study and investigation of the relationship between social capital and social security among Kurdish and Turkmen border residents in the border areas of North Khorasan." *Journal of Frontier Studies* 4.3: 107-136
- Saidipour, B & Mirzaei, S (2012), Border towns and social issues. National conference of border cities and security, challenges and approaches, Holding period: 1
- Said, Edward, (1978) *Orientalism*, translated into Persian by Abdolrahim Gavahi, Tehran, and Islamic Culture Publishing Office
- Salehi Amiri, R (2006), *Ethnic Conflict Management in Iran*, Tehran: Expediency Council, Strategic Research Center. [In Persian]
- Saremi, A et al. (2016), Ethnic-religious convergence of border residents and its role in sustainable security of the Iran-Pakistan border, *Journal of Border Science and Technology*, No. 17, pp. 121-144. [In Persian]
- Sanaei, E (2005), *Principles and Foundations of Borderlands*, Tehran: Vice Chancellor for Education, NAJA University. [In Persian]
- Simons, J. (2013). *Foucault and the political*. Routledge.
- Shatrian, Met al (2011). The effect of the socio-economic status of the border dwellers on the smuggling of goods (case study: Sistan and Baluchistan, Bushehr and Kurdistan provinces). *Human Geography Research*, 45(2), 157-178
- Sheikhi, MT (2000), *Demographic Analysis and Application*, Tehran: Ishraqi Publications. [In Persian]
- Statistical Center of Iran, www.amar.org.ir Statistical Yearbook of the country (2016), Statistics Center of Iran www.amar.org.ir. [In Persian]
- Tabnak News Agency (2016), News of the closure of 400 border cooperatives in 5 years on 07/02/2016, www.tabnak.ir
- Yazdani, Mohammad Hassan and Faramarz Montazer (2017), A Study of Health Indicators in the Ten Provinces and Regions of Iran, *Journal of Health and Development*, Year 6, Issue 4, pp. 290-301. [In Persian]
- Zare, Z et al (2015), the role of border bazaars in the sense of psychological security of the border residents of Kurdistan province, a case study: the border bazaars of Baneh city. *Journal of Border Studies*, 4(4), 163-200
- Zibande, Adalat and Soudabeh Faiz Bakhsh (2015) Investigating effective factors to improve the participation of border residents in the prevention of border crimes (case study: border city of Astara). *Research Journal of Border Studies*, 3(4), 62-29.
- Zokaei, MS and Nouri, A (2015), Living in Border Areas: A Phenomenological Study of Border Residents in Nosud, Year 6, No. 4, pp. 119-151. [In Persian]
- Statistical Yearbook of the country (2016), Statistics Center of Iran www.amar.org.ir. [In Persian]
- Tabnak News Agency (2016), News of the closure of 400 border cooperatives in 5 years on 07/02/2016, www.tabnak.ir



Yazdani, Mohammad Hassan and Faramarz Montazer (2017), A Study of Health Indicators in the Ten Provinces and Regions of Iran, *Journal of Health and Development*, Year 6, Issue 4, pp. 290-301. [In Persian]

Zare, Z et al (2015), the role of border bazaars in the sense of psychological security of the border residents of Kurdistan province, a case study: the border bazaars of Baneh city. *Journal of Border Studies*, 4(4), 163-200

Zibande, Adalat and Soudabeh Faiz Bakhsh (2015) Investigating effective factors to improve the participation of border residents in the prevention of border crimes (case study: border city of Astara). *Research Journal of Border Studies*, 3(4), 62-29.

Zokaei, MS and Nouri, A (2015), Living in Border Areas: A Phenomenological Study of Border Residents in Nosud, Year 6, No. 4, pp. 119-151. [In Persian]



Legal & Medical Challenges of the Health System in Border Areas

Hassan Alizadeh

Ph.D Student in International Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
(Corresponding Author)

Rahima Sayah

Bachelor of Law Student, Khoi Center, Payam Noor University, Khoi, Iran

Abstract

The purpose of the article is to examine the issue in which discourse the social issues of the border dwellers are not problematic. It is peripheral (border) and by creating dualities (linguistic, ethnic and religious), it attempts to secure the space and implement assimilation policy. 1379 to 1400), the most news about the economic field with 456 news 58%, followed by the security field with 283 news 36% and then the social and cultural field of border dwellers with only 28 news 3.5%, which is a sign of the lack of issues According to the findings of the research, the biggest social problems of the border areas are: massive migrations, existence of multi-dimensional poverty, high illiteracy rate, inadequate education and healthcare status, the main issue in current policies is primarily the approach of othering and in The lower level of emphasis is on economic factors and solutions. Economic solutions have also not been successful due to weak laws and implementation defects. The proposal of this research is to adopt a pluralistic approach and pay attention to the internal capabilities of the regions, villages and cities of border dwellers. Expanding welfare services (educational and health), expanding the individual capabilities of people and paying attention to the social development of these areas.

Keywords: Areas Border, Social Issues, Other, Media, Security of Space, Health System.